

## زهد و بی رغبتی امامان علیهم السلام



محمد تقی صرفی پور



## مقدمه

بعد از حمد و سپاس خداوند حکیم و سلام و صلوات بر محمد مصطفی و اهل بیت  
طاهرینش

امامان معصوم علیهم السلام پیشوایان بشریت می باشند که با پیروی از ایشان سعادت  
در جهان نصیب انسان می شود.

یکی از مسائل خیلی مهم مساله روش زندگی اهل بیت بوده است. با بررسی سبک  
زندگی اهل بیت متوجه می شویم زهد و بی رغبتی به دنیا جزو ویژگی های ایشان بوده  
است. هیچ علاقه ای به دنیا نداشتند. اگر خانه امیرالمومنین در مسجد کوفه را دیده باشید  
که چقدر ساده است در حالی که حضرت خلیفه بودند و بر کشورهای زیادی حکومت می  
کردند متوجه سادگی امام علیه السلام می شویم.. یا می بینیم امامان علیهم السلام خیلی  
بخشنده بودند بطوری که امام حسن مجتبی چند بار هرچه داشت بخشید. بقیه امامان هم  
اینگونه بودند. ما هم باید اینگونه باشیم والا اگر دنیا طلب باشیم منحرف می گردیم. اگر  
وابستگی دنیوی داشته باشیم از مسیر حق دور می شویم.

در این کتاب به بعضی از ابعاد ساده زیستی امامان علیهم السلام اشاره شده است.

زمستان 1401. کرمانشاه

## 1- غذا خوردن

حکام و پادشاهان انواع غذاهای رنگین داشتند. هیچوقت گرسنگی نمی کشیدند. گاهی اهل اشپزخانه آنها دهها نفر بودند اما امامان ما هیچوقت غذای سیر نخوردند. غذاهای خوشمزه نخوردند.

در روایات آمده است که:

امّ کلثوم می گوید: شب نوزدهم رمضان سال چهارم هجری، پدرم افطار منزل ما بود. چون بخانه آمد، مشغول نماز شد. من برای افطار دو عدد نان جو و یک کاسه شیر و مقداری نمک سائیده شده، تهیه کرده بودم. آنها را در یک سینی، خدمت امام بردم. وقتی حضرت نماز را تمام کرد و چشمش به سفره افتاد، گریه کرد و فرمود: ای دختر! برای من در یک سینی دونا خورش قرار داده ای؟ مگر نمی دانی که من از برادر و پسر عمویم، حضرت رسول اکرم (ص) تبعیت می کنم؟

ای دختر! هر که خوراک و پوشاک او در دنیا، بهتر باشد، ایستادنش در قیامت، در مقابل خداوند، طولانی تر باشد. ای دختر! در حلال دنیا حساب و در حرام دنیا عقاب است و...

سپس امام فرمود: یکی از دو ظرف شیر یا نمک را بردار! خواستم نمک را بردارم. فرمود: ظرف شیر را بردار که می خواهم با شکم خالی خدا را ملاقات نمایم.

\*\*\*

نان جو و شیر ترش!

سوید بن غفله می گوید: (در دارالاماره، خدمت علی بن ابی طالب (ع) رسیدم دیدم حضرت نشسته و کاسه ای شیر ترش که بوی ترشی آن از دور به مشام می رسد، پیش رو دارد و تکه ای نان خشک در دست گرفته که تکه های پوست جو در سطح آن

به چشم می خورد نان را با دست و گاهی با کمک زانو تکه تکه می کند و در شیر می اندازد وقتی مرا دید فرمود: نزدیک بیا و از غذای ما بخور من عرض کردم: روزه دارم فرمود: از رسول خدا شنیدم که هر کس به خاطر روزه از خوردن آنچه میل دارد چشم پپوشد بر خداسزاوار است که از طعام و شراب بهشت بهره مندش کند) سوید می گوید: (کنیز حضرت آنجا ایستاده بود به او گفتم چرا در حق این پیرمرد، از خدا نمی ترسید؟

چرا آرد نانش را صافی نمی کنید و این دانه های درشت را از آن نمی گیرید؟ گفت: حضرت به ما دستور داده است هیچ گاه آرد نانش را الک نکنیم حضرت متوجه صحبت ما شد فرمود: به او چه می گویی؟ من سخن خود را برای او باز گفتم حضرت در پاسخ من فرمود: پدر و مادرم فدای آنکه (رسول خدا) هیچ گاه آرد نانش الک نشد و هرگز سه روز پی در پی خود را از نان گندم سیر نکرد، تا خدایش به نزد خویش برد (مناقب خوارزمی، ص 118، حدیث 130)

\*\*\*

ای کاش گوشت اردک به ما می دادی!

دیگری می گوید: (در روز عید قربان، خدمت امیرالمؤمنین علی (ع) رسیدم حضرت، آبگوشتی به ما تعارف کرد گفتم: با این همه نعمت که خدا عنایت کرده خوب بود گوشت اردک برایمان فراهم می کردی حضرت فرمود: از رسول خدا (ص) شنیدم که می فرمود: خلیفه از مال خدا جز دو کاسه حقی ندارد کاسه ای که خود و خانواده اش بخورد و کاسه ای که به مردم تعارف کند (مسند امام احمد بن حنبل، ج 1، ص 78).

امام علی ع اشتها به جگر پیدا کردند...

مرحوم [محدث قمی](#) از کتاب [مصایح الانوار](#) نقل کرده است، «به ما چنین خبر رسیده است که روزی [أمیر المؤمنین](#) اشتها کردند که جگر کباب شده و یا بریان شده ای را با نان نرم بخورند. همینطور این امر طول کشید و یک سال برآمد که پیوسته حضرت این اشتها را داشتند ولی ابراز نمی نمودند. پس از یک سال در حالیکه روزی از روزها روزه بودند، به [امام حسن \(ع\)](#) این مطلب را بازگو کردند. امام حسن برای آن حضرت آماده ساخت و چون هنگام افطار رسید و امام حسن این طعام را به نزد پدر گذارد که ناگهان سائلی در خانه سؤال نمود. حضرت فرمودند: ای نور دیده من! این طعام را بردار و به سائل بسپار! برای آنکه ما در فردای قیامت در صحیفه اعمال خود نخوانیم که: شما طیبات خود را در زندگی دنیا و پست خود از بین بردید! و در این حیات دنی و ناقابل، شما با طیبات خود استمتاع نموده و بهره مند شدید.»

حضرت در این بیان استشهاد فرموده اند به [آیه 20 از سورة الاحقاف](#): «و یوم یعرض الذین کفروا علی النار اذهبتم طیب'تکم فی حیاتکم الدنیا واستمتعتم بها فالیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون فی الارض بغير الحق و بما کنتم تفسقون؛ و روز قیامت روزی است که مردمان کافر را بر آتش عرضه میدارند، و چنین به آنها خطاب میشود که: شما طیبات و چیزهای پاکیزه و نفیس خود را در زندگانی دنیا از بین بردید و مصرف نمودید! و با آنها استمتاع کردید؛ و بنابراین در مقابل استکباری که در زمین به ناحق نمودید و بواسطه فسقی که کردید و تجاوزی که نمودید، امروز به عذاب ذلت آمیز و اهانت بخش و پست و خوارساز خدا پاداش داده میشوید.»

ان وقت درباره شکمبارگی معاویه آمده است که:

معاویه سفره هائی میگسترد که انواع و اقسام لذیذترین غذاهای دنیا در آن تهیه شده بود. غذاهائی را برای او آماده میساختند که از مغز پسته و روغن مغز سر پرنده ای که نایاب و نادر الوجود بود تهیه میشد، و آنقدر میخورد که هر چه طول میکشید سیر نمی

شد، و میگفت: من خسته شدم اما سیر نشدم! و گویند: اطراف دهان او پیوسته زرد بود و رنگ غذا داشت و آنقدر در غذا خوردن حریص و عجول بود که آستین لباس او پیوسته چرب بود. و یکی از پیراهن های او با همین آستین معروف، امروز در یکی از موزه های معروف جهان است.

ابن ابی الحدید درباره معاویه می گوید: «او به پر خوری و شیفتگی خوراک مشهور بود.

شکم او چندان بزرگ بود که وقتی می نشست روی رانهایش می افتاد. معاویه در عین

حال که در مورد صله دادن و اعطای اموال، بخشنده بود، اما در مورد خوراک بخل می

ورزید.

معاویه هنگامی که بر سر سفره می نشست، به کم قانع نبود و فراوان می خورد، اما با

این حال سیر نمی شد. هنگامی که دستور می داد سفره را جمع کنند، می گفت: به خدا

سوگند سیر نشدم ولی خسته و ملول گشتم. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج 4، ص

باز در روایت آمده که: امام علی علیه السلام اگر می‌خواست با نان‌ش، چیزی بخورد، یا سرکه می‌خورد یا نمک، و اگر می‌خواست قدری غذا را رنگین‌تر کند، کمی سبزیجات یا کمی شیر شتر هم میل می‌کرد. گوشت نمی‌خورد، جز مقدار بسیار کم، و می‌فرمود: «دل‌هاتان را گورستان حیوانات قرار ندهید».

امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می‌کند که قنبر، خدمتگزار حضرت علی علیه السلام، هنگام افطار برای حضرت کیسه‌ای آورد که بر آن مهر زده شده بود. مردی که حاضر بود به حضرت گفت: یا امیرالمؤمنین، این کار نشانه بخل است که بر کیسه خوراکی مهر می‌زنی (اگر کسی در کیسه را باز کند معلوم می‌شود، زیرا مهر تغییر می‌کند).

حضرت علی علیه السلام خندید و فرمود: «دوست ندارم در شکم چیزی داخل شود که نمی‌دانم از کجا بدست آمده است.» آنگاه امام مهر کیسه را شکست و مقداری نان در ظرف آب ریخت و چون خواست بنوشد، فرمود: «به نام خدا، بار خدایا برای تو روزه گرفتیم و با روزی تو افطار کردیم. از ما بپذیر که تو شنوای دانا هستی».

--عدی بن حاتم می گوید :

مقابل حضرت علی علیه السلام مشک آب کهنه کوچکی دیدم و چند قطعه نان جو و مقداری نمک. به امام گفتم: « ای امیرالمومنین، به نظر من صلاح نیست شما روزها با دشمن جهاد کنید و شبها به عبادت پردازید؛ ولی چنین غذایی بخورید ». امام فرمود: « خودت را به قناعت عادت بده و مرض نفست را با قناعت درمان کن که اگر این کار را نکنی، بیشتر از نیاز و ضرورت، از تو درخواست می کند ».

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام فرموده است: « غذای امام علی علیه السلام بیشترین مشابهت را به غذای رسول خدا صلی الله علیه وآله داشت؛ خودش نان و سرکه و زیتون می خورد، ولی به سایرین نان و گوشت می داد ».

امام علی (ع) اگرچه با لباس خشن و غذاهای غیر لذیذ زندگی کرد، اما این گونه نبود که همیشه و در طول عمر خویش فقط نان و نمک و خرما خورده باشد، بلکه آن گونه که از سخنان آن حضرت بر می آید، این شرایط بیشتر به زمان زمامداری و حکومتشان باز می گردد. امام (ع) در طول سالهای حکومت تلاش می کرد تا سطح زندگی و معیشت خویش را با ضعیف ترین شهروندان حکومت اسلامی منطبق سازد. البته این بدان معنا نیست که پیش از این دارای زندگی اشرافی بود.

در ارتباط با فلسفه ساده زیستی امام علی (ع) در تاریخ می خوانیم: عاصم بن زیاد حارثی که یکی از مریدان حضرت بود، خواست مانند امام بخورد و بپوشد، امام او را از این کار منع می کند. عاصم به حضرتش می گوید: شما چگونه چنین لباس خشن می پوشی و غذای ساده می خوری؟! امام (ع) فرمود: وای بر تو، من همانند تو نیستم؛ زیرا خداوند بر پیشوایان عادل واجب نمود تا خود را با مردم تهی دست برابر قرار دهند، باشد که

[1]. تهی دستی بر فقیر سنگینی نکند و او را از پای در نیاورد

علی(ع) در جایی دیگر می‌فرماید: آگاه باش که امام شما از تمام دنیایش به دو جامه کهنه، و از خوراکش به دو قرص نان قناعت نموده، بدان که شما توان چنین کاری را ندارید. [2]

بنابر این؛ این گونه نبود که علی(ع) در تمام طول زندگی چنین باشد، اگرچه گاهی پیش می‌آمد که حتی غذای خود و خانواده خویش را به مستمندان و گرسنه‌گان می‌داد و خود اما در عین زندگی ساده، دیگر غذاهای مفید و [3]. گرسنه سر بر بالین می‌گذاشتند. مقوی را نیز می‌خوردند.

آماه نوه پیامبر(ص) و یکی از همسران امیرمؤمنان(ع) می‌گوید: «ایشان شبی در ماه رمضان نزدم آمد، برایش غذای شام را به همراه خرما و قارچ آورد، امام(ع) از این [4]. «غذاها خورد و قارچ را دوست می‌داشت

نکته: ظاهراً این روایت مرتبط با دوران قبل از خلافت حضرتشان می‌باشد البته، گفتنی است؛ آنچه در جنگ‌ها و نبردها باعث رشادت‌های علی(ع) می‌شد و می‌توانست در برابر جنگ‌جویانی مانند عمر بن عبدود پیروز از میدان به درآید و یا در خیبر را از جا درآورد، نیروی ایمان و عشق به جهاد و شهادت بود، نه نیرو و توان جسمی؛ چرا که به فرموده خود حضرت، پارسایان و انسان‌های متقی دارای جسمی نسبتاً [5]. «نحیف هستند: «وَأَجْسَادُهُمْ نَحِيفَةٌ

---

سید رضی، مجد بن حسین، نهج البلاغة، محقق، صبحی صالح، ص 325، قم، هجرت، چاپ اول، 1414 ق. [1]

همان، ص 417. [2]

اهل ست (ع) شأن نزول آنه "و يطعمون الطعام..." پاسخ 18439: ر. ک. [3]

برقی، ابو جعفر احمد بن مجد بن خالد، المحاسن، محقق، مصحح: محدث، جلال الدین، ج 2، ص 527، قم، [4]. دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم، 1371 ق

نهج البلاغة، ص 303. [5]

## داستان حضور عثمان بن حنیف در میهمانی اشراف بصره

یکی از نکات مهم در سیره سیاسی امام علی (ع) داستان حضور عثمان بن حنیف در میهمانی اشراف بصره است. حضرت به محض اطلاع از این اقدام، نامه ای توییح امیز به عثمان می نویسد. این نامه به دلیل دقت امام علی (ع) در رفتار کارگزاران و نظارت بر آنها دارای اهمیت است.

متن این نامه که در نهج البلاغه هم آمده است، تقدیم مخاطبان می شود:

أَمَّا بَعْدُ يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَأْدُبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ وَمَا ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوءٌ وَ غَنِيَهُمْ مَدْعُوءٌ فَانْظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظُهُ وَمَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ وَجْهِهِ قُلْ مِنْهُ أَلَا وَ إِنِّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنِّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطُمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سَدَادٍ فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرَأُ وَ لَا ادْخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرَأُ وَ لَا أَعْدَدْتُ لِإِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا وَ لَا خُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شِبْرًا وَ لَا أَخَذْتُ مِنْهُ إِلَّا كَقُوتِ أَتَانٍ دَبْرِهِ وَ لَهِي فِي عَيْنِي أَوْهَى وَ أَوْهَنُ مِنْ عَقْصِهِ مَقَرَّهُ بَلَى كَانَتْ فِي أَيْدِينَا فَذَكَ مِنْ كُلِّ مَا أَظْلَمَتْهُ السَّمَاءُ فَشَحَّتْ عَلَيْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ وَ سَخَتْ عَنْهَا نُفُوسُ قَوْمٍ آخَرِينَ وَ نِعَمَ الْحَكَمُ اللَّهُ وَ مَا أَصْنَعُ بِفَذَكَ وَ غَيْرِ فَذَكَ وَ النَّفْسُ مَظَانُّهَا فِي غَدٍ جَدَثٌ تَنْقَطِعُ فِي ظُلْمَتِهِ آثَارُهَا وَ تَغِيبُ أَخْبَارُهَا وَ حُفْرَةٌ لَوْ زِيدَ فِي فُسْحَتِهَا وَ أَوْسَعَتْ يَدَا حَافِرِهَا لَأَضْغَطَهَا الْحَجَرُ وَ الْمَدْرُ وَ سَدَّ فَرْجَهَا التُّرَابُ الْمُتْرَاكِمُ وَ إِنَّمَا هِيَ نَفْسِي أَرُوضُهَا بِالتَّقْوَى لِتَأْتِيَ آمِنَةً يَوْمَ الْخَوْفِ الْأَكْبَرِ وَ تَثْبُتَ عَلَى جَوَانِبِ الْمَزَلِقِ وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا الْقَرِّ وَ لَكِنْ هِيَ هَاتِ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبْعِ أَوْ أَيْتِ مِيطَانًا وَ حَوْلَى بَطُونٍ غَرَّتْنِي وَ أَكْبَادُ حَرَى أَوْ أَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ :

وَحَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبِيتَ بِيْطْنَهُ \* وَحَوْلَكَ أَكْبَادٌ تَحِنُّ إِلَى الْقَدِّ أَ أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ  
هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونُ أَسْوَهُ لَهُمْ فِي جُشُوبِهِ الْعَيْشِ  
فَمَا خُلِقْتُ لِيَشْغَلَنِي أَكْلُ الطَّيِّبَاتِ كَالْبَهِيمَةِ الْمَرْبُوطَةِ هَمَّهَا عِلْفُهَا أَوْ الْمُرْسَلَةِ شُغْلُهَا تَقَمُّمُهَا  
تَكَتْرِشُ مِنْ أَغْلَافِهَا وَتَلْهُو عَمَّا يَرَادُ بِهَا أَوْ أُتْرِكَ سُدَى أَوْ أَهْمَلَ عَابِثًا أَوْ أُجِرَّ حَبْلَ  
الضَّلَالَةِ أَوْ أُغْتَسِفَ طَرِيقَ الْمَتَاهَةِ وَكَأَنِّي بِقَائِلِكُمْ يَقُولُ إِذَا كَانَ هَذَا قُوتُ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ  
فَقَدْ قَعَدَ بِهِ الضَّعْفُ عَنْ قِتَالِ الْأَقْرَانِ وَ مُنَازَلَةِ الشُّجْعَانِ أَلَا وَإِنَّ الشَّجَرَةَ الْبَرِّيَّةَ أَصْلَبُ  
عُودًا وَ الرُّوَاعِيَ الْخَضِرَةَ أَرْقُ جُلُودًا وَ النَّابِتَاتِ الْعِذِيَّةَ أَقْوَى وَقُودًا وَ أَتْبَأُ حُمُودًا.  
وَ أَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ كَالضَّوِّ مِنَ الضَّوِّ وَ الدَّرَاعِ مِنَ الْعَضْدِ وَ اللَّهِ لَوْ تَظَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلَى  
قِتَالِي لَمَا وَلَّيْتُ عَنْهَا وَ لَوْ أُمَكَّنْتَ الْفُرَصُ مِنْ رِقَابِهَا لَسَارَعْتُ إِلَيْهَا وَ سَأَجْهَدُ فِي أَنْ أُطَهِّرَ  
الْأَرْضَ مِنْ هَذَا الشَّخْصِ الْمَعْكُوسِ وَ الْجِسْمِ الْمَرْكُوسِ حَتَّى تَخْرُجَ الْمَدْرَةُ مِنْ بَيْنِ حَبِّ  
الْحَصِيدِ .

### ترجمه

اما بعد از حمد و ثنای خداوندی، ای فرزند حنیف، شنیده ام مردی از جوانان اهل بصره  
تو را به خوان گسترده ای از طعام دعوت نموده و تو بر سر آن خوان با شتاب حضور  
یافتی.

طعام های رنگارنگ برای تو خوش آمده و کاسه های گوناگون پیایی بر سر سفره تو  
آورده شده است.

و من گمان نداشتم تو خوردن غذای قومی را بپذیری که فقرای آنان مورد اعراض قرار  
گیرند و بی نیازانشان بر سر طعام دعوت شوند.

پس بنگر چه چیز خوردنی از این طعام می جوی و می بلعی، پس آنجا که شناسایی غذا  
برای تو مشکل است، آن را بینداز و در آن مورد که به پاکیزگی اصل و هدفهایش یقین  
کردی تناول نما.

آگاه باش، برای هر پیروی، پیشروی است که باید از او تبعیت نماید و از علم او کسب نور کند.

هشیار باش، امام شما از دنیایش به دو لباس کهنه و از خوراکش به دو قرص کفایت نموده است.

بدانید شما قطعاً توانایی این قناعت را ندارید، ولی با اتصاف به پرهیزکاری و کوشش و پاکدامنی و درستکاری مرا یاری کنید.

سوگند به خدا، من از دنیای شما طلایی نیندوختم و از غنیمتها و منافع آن مالی جمع نکردم و برای لباس پوشیده ام، عوضی آماده نمودم و حتی وجبی از زمین این دنیا حیازت نکردم و من از قوت این دنیا نگرفتم مگر به مقدار توشه جانداري که پشتش مجروح شود و غذایش کم شود.

و قطعاً این دنیا در برابر چشمم پست تر و موهون تر از دانه تلخ ناچیزی است که به کار دباغی برآید.

بلی! از همه آنچه که آسمان بر آن سایه انداخته بود فدک در دست ما بود که نفوس گروهی از مردم به آن بخل ورزید و گروهی دیگر سخاوت ورزیده چشم از آن پوشیدند.

خدا است بهترین داور میان بندگان.

و مرا چه کار با فدک و غیر فدک، در حالی که جایگاه نفس فردا گور است که در آن تاریکی آن نشانه های وجودش از بین می رود و اخبارش ناپدید می گردد، آن گوری که اگر بر وسعتش اضافه شود و دو دست حفرکننده اش آن را گسترش دهد، با این حال سنگ و کلوخ آن را بفشارد و خاکهای انبوه رخنه هایش را مسدود کند.

جز این نیست که من نفس خود را با تقوی مشقت و ریاضت می دهم تا در روز ترس بزرگ در امن و امان آید و در کناره های لغزشگاه ها ثابت گردد.

و اگر من بخواهم راه به این عسل صاف و مغز گندم و بافته های این پرنیان ببرم، می توانم.

ولی هیئات اگر هوای من، بر من پیروز شود و حرص و آز من به گزینش خوراکها وادارم سازد، در حالی که ممکن است در حجاز و یمامه کسی باشد که طمعی در یک قرص داشته و سیری را به یاد نداشته باشد، با با شکمی پر بخوابم و پیرامون من، شکم هایی گرسنه و جگرهایی سوخته باشد.

یا چنان باشم که گوینده ای گفته است:

و برای تو دردی بزرگ و کافی است این که با شکمی پر بخوابی و در پیرامون تو جگرهایی باشد که آرزوی شدید داشته باشد به خوردن پوستی دباغی نشده! آیا درباره خودم به این قناعت کنم که گفته شود:

(این امیرالمومنین است) ولی در ناگواری های روزگار با آنان شرکت نورزم، یا در سختی زندگی الگوی آنان نباشم؟ زیرا من آفریده نشده ام که خوردن غذاهای گوارا مرا مشغول بدارد مانند چهارپایی بسته شده که تمام همت او، علفش می باشد یا مانند حیوانی، رها به حال خود باشم که زباله دان ها را بر هم زند و از علفهای آنها شکم خود را پر کند.

و از آنچه از وی خواسته شده است غفلت بورزد.

یا رهایم سازند، یا برای زندگی بیهوده به حال خودم واگذارند یا طناب گمراهی را بکشم یا در راه منحرف به کجروی افتم.

گویی می بینم گوینده ای از شما می گوید:

(اگر غذا و توشه فرزند ابیطالب همین است، پس ناتوانی او را از جنگاوری با امثال خود و پیکار با دلاوران باز داشته است).

اینان بدانند درختی که در بیابان می روید چوب سخت تری دارد در حالی که پوست سبزه های زیبا نازکتر و بی دوام تر است.

و رویدنی هایی که تنها از آب باران سیراب می شوند درای شعله های قویترند و

خاموشی آنان زمانی طولانی می خواهد.

و من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مانند دو شاخه از یک درخت هستیم و مانند آرنج به بازو.

و سوگند به خدا، اگر همه عرب به جنگ با من برخیزند هرگز از آنان رویگردان نمی شوم و اگر فرصتی برای نشانیدن آنان به جای خود پیش آید، به طرف آنان با سرعت حرکت خواهم کرد و می کوشم تا روی زمین را از این شخص معکوس (ضدانسان) و بدنی که عقل درونش سرگشته است پاک کنم تا کلوخ از میان دانه های درو شده جدا گردد.

### زهد امام باقر علیه السلام

امام باقر علیه السلام در برابر همه زرق و برق و شکوه و جلال ظاهری زندگی دنیا زهد و پارسایی پیشه کرده و از زروزیور و زینت دنیا رویگردان بود. آن حضرت هرگز در <sup>[1]</sup>خانه خود اثاثیه تجملاتی قرار نداد. بلکه همواره فرش مجلس آن حضرت حصیر بود.

دیدگاه امام باقر علیه السلام نسبت به زندگی دنیا دیدگاهی عمیق و از روی بصیرت بود. آن حضرت به تمام جنبه های زندگی دنیوی با روشن بینی کامل نگاه می کرد و از همین جهت بود که از همه لذت های دنیوی پارسایی پیشه کرده و دل خاشع خود را به سوی خداوند متعال متوجّه ساخته بود.

از جابر بن یزید جعفی روایت شده است که گفت: امام محمد باقر علیه السلام روزی به «من فرمودند: ای جابر، من بسیار اندوهگین و نگران هستم

جابر رو به آن حضرت کرده عرضه داشت: نگرانی و اندوه شما از چه سبب ایجاد شده است؟

امام باقر علیه السّلام در پاسخ جابر این گونه فرمودند

ای جابر، هر کس که دلش در چشمه زلال دین خداوند عزّ و جلّ وارد شده باشد، ورود در این چشمه جوشان او را از آنچه غیر اوست مشغول می کند. ای جابر، دنیا چیست و چه ارزشی دارد و نهایت آن به کجا خواهد رسید؟ آیا جز این است که نهایت دنیا و رسیدن آن مرکبی است که بر آن سوار شوی و یا لباسی که بپوشی و یا زنی که به دست <sup>[2]</sup>! آوری؟

درباره موضوع ترغیب مردم به زهد و پارسایی در دنیا و رو آوردن به خداوند متعال و بر حذر بودن از فریفتگی به زرق و برق دنیا و مرتکب شدن گناه در آن، کلمات درربار فراوانی از امام باقر علیه السّلام نقل گردیده است

پی نوشت ها

دعائم الاسلام 158 / 2 [1]

البدایه و النّهایه 310 / 9، حیات الامام محمّد الباقر 115 / 1 - 134 با اندکی تصرّف [2]

### زهد امام کاظم علیه السلام

امام کاظم علیه السّلام طلایه دار زاهدانی بود که از نعمت های فانی و آرایه های دنیوی سر برتافته و به درگاه خدا روی آورده و به نعمت هایی که خداوند در سرای باقی برای آنان فراهم آورده بود دل بسته بودند

ابراهیم بن عبد الحمید<sup>[1]</sup> ابعاد و دامنه زهد حضرت کاظم علیه السّلام را چنین بیان می کند: «وارد خانه ای شدم که حضرت در آن نماز می گزارد. در آن جا جز یک زنبیل که <sup>[1]</sup>از برگ خرما بافته شده بود و شمشیری آویخته و یک قرآن چیزی دیگر نبود

در روایت ابراهیم، زندگی امام کاظم علیه السلام آن چنان ساده و زاهدانه توصیف شده بود که حداقل نیازها و وسایل زندگی که طبقه ضعیف جامعه آن روز نیز از آن برخوردار بود، نداشت و این خود دلیل روشنی بر روگردانی آن حضرت از دنیا و لوازم آن است. البته امام در حالی چنین زاهدانه می زیست که اموال فراوان و حقوق شرعی از سوی شیعیان برای امام فرستاده می شد. از سوی دیگر حضرت کاظم علیه السلام نخلستان و زمین های کشاورزی داشت که منبع درآمد سرشاری برای حضرت بود، اما تمام آن را در راه خدا و برای خشنودی اش به بینوایان و محرومان می داد. او سیره و زندگی ابو ذر غفاری، آن صحابی گرانقدر را برای یاران خود باز می گفت؛ همو که هیچ انگاشتن خود، دوری از دنیا و زهدش ضرب المثل بود

امام کاظم علیه السلام درباره ابو ذر فرمود: خدای رحمت کند ابو ذر را که می گفت: پس از [داشتن] دو قرص نان جوین که چاشت به یکی و شام به دیگری خود را سیر [2] «کنم و دو پشمینه که خود را بدان پوشانم دنیا [و آنچه بدان تعلق دارد] نکوهیده باد

پی نوشت ها

(بحار الانوار 48 / 100) (به نقل از قرب الاسناد [1])

اصول کافی 2 / 134 [2]

### زهد امام جواد علیه السلام

زهد و وابسته نبودن به دنیا، از بارزترین خصوصیات ائمه هدی علیهم السلام است. امام جواد علیه السلام با وجود امکانات زیاد و دارا بودن اموالی که شیعیان از گوشه و کنار مملکت اسلامی به عنوان وجوهات شرعیه برای ایشان می آوردند توجه و رغبتی به آن ها نشان نمی داد.

حسین مکاری می گوید: در بغداد امام جواد علیه السلام را دیدم که دارای مقامی بس

رفیع گشته است، در دل به خود گفتم که او هرگز این موقعیت و رفاه را رها نکرده و هرگز به مدینه باز نخواهد گشت و در بغداد غرق در خوشی و رفاه و تنعم خواهد ماند. امام علیه السلام با آگاهی از این پندار به او فرمود: ای حسین! نان جو و نمک نیمکوب در حرم جدّم رسول الله بسیار محبوب تر است برای من از آنچه مرا در آن می بینی.

## امام هادی علیه السلام

امام هادی علیه السلام در بی رغبتی به دنیا و زهد و پارسایی چنان بود که دوست و دشمن را به تحسین و ستایش وامی داشت. «یحیی بن هرثمه» یکی از خدمت گذاران دربار متوکل عباسی، بدون هیچ ترس و واهمه ای از عواقب کار، لب به ستایش آن حضرت می گشاید و می گوید: «فَلَمَّا دَخَلْتُ عَلَى الْمُتَوَكِّلِ، سَأَلَنِي عَنْهُ فَأَخْبَرْتُهُ بِحُسْنِ سِيرَتِهِ وَ سَلَامَةِ طَرِيقَتِهِ وَ وَرَعِهِ وَ زِهَادَتِهِ؛ وَ قَتِي كِه بَر مُتَوَكِّل وَ اَرَد شُدَم، دَر مُورِد اَمَام هَادِي عَلِيهِ السَّلَام اَز مَن سَوَال نَمُود، مَن بَه مُتَوَكِّل اَز حَسَن رِفَتَار وَ دَرَسْتِي رَاه وَ وَرَع وَ <sup>[۲]</sup>زهد آن حضرت خبر دادم

با وجود این که آن حضرت می توانست زندگی مرفّه و راحتی داشته باشد، ولی در کمال صفدی و دیگر مورخین اهل سنت می «، «ابی الفداء» بی رغبتی به دنیا زندگی می کرد نویسند: وقتی عمّال متوکل به خانه امام هجوم آوردند تا خانه آن حضرت را تفتیش کنند، «فَوَجَدُوهُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ مُغْلَقٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِ مِذْرَعَةٌ مِنْ شَعْرِ وَ لَا بَسَاطَ فِي الْبَيْتِ إِلَّا الرَّمْلَ وَالْحَصَى؛ او را دیدند که به تنهایی در خانه نشسته و در را به روی خود بسته و لباس پشمینه ای پوشیده بود و در خانه زیراندازی جز شن و سنگ ریزه نبود.» هم چنین مورخان ادامه داده اند که: «وَ عَلَى رَأْسِهِ مَلْحَفَةٌ مِنْ الصُّوفِ مُتَوَجِّهًا إِلَى رَبِّهِ يَتَرَنَّمُ بآيَاتٍ مِنَ الْقُرْآنِ فِي الْوَعْدِ وَالْوَعِيدِ؛ بر سر آن حضرت پارچه ای پشمی بود و در حالی

که توجّه کامل به خدای خویش داشت آیاتی از قرآن در مورد وعد و وعید را با صدای [۳] زیبا قرائت می کرد

پی نوشت ها:

بحارالانوار، همان، ج ۷۰، ص ۲۱۰. [۱]

تذکره الخواص، همان، ص ۳۶۰. [۲]

مروج الذهب، مسعودی، دار الاندلس، ج ۴، ص ۱۱ و تاریخ ابی الفداء، دار الکتب. [۳]  
العلمیه، ج ۱، ص ۳۶۰ و الوافی بالوفیات، صفدی، النشرات الاسلامیه، ج ۲۲، ص ۷۲

### زهد امام زمان علیه السلام

امام صادق(ع) می فرماید: چرا در ظهور حضرت مهدی تعجیل می کنید؟ خدا می داند که پوشاک او سخت و خشن است خوراکش نان جو و حکومتش حکومت شمشیر است و مرگ در سایه شمشیر.

عثمان بن حماد می گوید: در مجلس امام صادق حاضر بودم که شخصی به حضرتش عرض کرد: علی بن ابی طالب لباسی سخت می پوشید که ارزش آن چهار درهم بود اما شما لباس ارزشمندی بر تن دارید، حضرت در پاسخ فرمود: علی(ع) در زمانی آن لباس را می پوشید که مورد انکار و اعتراض قرار نمی گرفت بهترین لباس هر زمان لباس مردم آن دوران است.

هنگامی که قائم ما قیام کند نظیر لباس علی(ع) را می پوشد و از سیاست و خط مشی آن حضرت پیروی می کند.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> منبع: "نشانه هایی از دولت موعود" نوشته حجت الاسلام نجم الدین طبعی

## 2- کار و تلاش و دوری از راحت طلبی

این امامان ما با اینکه حجت خدا و نماینده خدا در زمین و آسمان بودند ولی هیچوقت راحتی نداشتند. هیچوقت مانند پادشاهان در رفاه نبودند. خدم و حشم نداشتند. می‌گند فقط خدمتکاران محمدخوارزمشاه که در زمان او مغولها بر ایران مسلط شدند، چهارهزار نفر بوده‌اند! ولی امامان ما خودشان کارهای خودشان را انجام می‌دادند حتی مثل یک کارگر مثل یه کشاورز، کشاورزی می‌کردند.

در روایات آمده است:

• روزی ابونیزر که در اطراف مدینه مزرعه داشت، هنگام ظهر امیر مؤمنان(ع) را دید که به سوی مزرعه او می‌آید.

- امام(ع) نزدیک آمد و به او سلام کرد. ابونیزر با خوشحالی به استقبال حضرت شتافت. امام(ع) از او پرسید: «آیا غذایی برای خوردن داری؟» ابونیزر به شدت شرم‌منده شد؛ چرا که غذایی در شأن امام(ع) نداشت. فقط مقداری از کدوی مزرعه خود را که پیش‌تر در پیه شتر سرخ کرده و مقداری از آن را خورده بود، باقیمانده آن را در ظرف گذاشت او با شرمساری گفت: «مولای من! چیزی که در خور شما باشد، ندارم!» امام(ع) لب‌خندی زد و فرمود: «هر چه هست بیاور!» ابونیزر برخاست و ته مانده غذای خود را که سرد هم شده بود، آورد و جلوی امام(ع) گذاشت. امام(ع) ابتدا دست‌های خود را در آب روان نهر شست و بر سر سفره نشست. امام و پیشوای قانعان(ع) سه لقمه بیشتر نخورد و حمد خدا را گفت و کنار رفت

- سپس از جایش برخاست و کلنگ و بیل را برداشت و تصمیم گرفت به جهت غذایی که ابونیزر به ایشان داده، برای او کار کند.
- ابونیزر چاهی در کنار مزرعه خود کنده بود و چون از جوشیدن آن ناامید شده بود، آن را نیمه کاره رها نموده بود. امام (ع) داخل چاه رفت و شروع به کندن آن کرد. پس از ساعتی با سر و روی خاک آلود بالا آمد و آبی نوشید و باز هم شروع به کندن چاه کرد. تا آن که پس از ساعتی دیگر، آب از چاه به پهنای گردن شتر فوران کرد.
- شخصی می گوید: دیدم امام باقر(ع) مشغول کار است و در اثر شدت کار، عرق از پیشانی مبارکش می ریزد، با خود گفتم: این مرد بعید است جانشین امام سجاد(ع) باشد، او چقدر حریص به دنیا است که این اندازه خود را در راه آن به زحمت انداخته است! به منظور موعظه و نصیحت او، به حضورش رفتم، به او گفتم: خدا تو را اصلاح کند، تو از بزرگان قریش هستی، در این ساعات گرم و آتشین روز، خود را برای دنیا به زحمت انداخته ای؟! اگر اجل فرا رسد، جواب خدا را چه خواهی داد؟!
  - حضرت بعد از شنیدن سخنان من فرمود: اگر مرگ در این حال فرا رسد، به خدا قسم من در حال اطاعت خدا هستم و به این وسیله می خواهم خود را از منت تو و مردم حفظ کنم. راوی گفت: من می خواستم تو را موعظه کنم ولی تو من را موعظه و هدایت نمودی

- امام صادق(ع) جامه زبر کارگری بر تن و بیل در دست داشت و در بوستان خویش سرگرم کار بود. چنان فعالیت می کرد که سرپایش را عرق گرفته بود. در این حال، ابوعمرو شیبانی وارد شد و امام را در آن تعب و رنج مشاهده کرد.

پیش خود گفت: شاید علت اینکه امام شخصاً بیل به دست گرفته و متصدی این کار شده، این است که کسی دیگر نبوده و از روی ناچاری، خویش دست به کار شده. جلو آمد و عرض کرد: "این بیل را به من بدهید، من انجام می‌دهم!" امام فرمود: "نه، من اساساً دوست دارم که مرد برای تحصیل روزی رنج بکشد و آفتاب بخورد

• امام کاظم(ع) در زمینی که متعلق به شخص خودش بود، مشغول کار و اصلاح زمین بود. فعالیت زیاد، عرق امام را از تمام بدنش جاری ساخته بود. علی بن ابی حمزه بطائنی در این وقت رسید و عرض کرد: "قربانت گردم، چرا این کار را به عهده دیگران نمی‌گذاری؟"

- "چرا به عهده دیگران بگذارم؟ افراد از من بهتر، همواره از این کارها می‌کرده‌اند."

- "مثلاً چه کسانی؟"

- "رسول خدا(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) و همه پدران و اجدادم. اساساً کار و فعالیت در زمین از سنن پیامبران و اوصیای پیغمبران و بندگان شایسته خداوند است."

## روایات درباره زهد و بی رغبتی به دنیا

کافی

### بَابُ دَمِّ الدُّنْيَا وَ الزُّهْدِ فِيهَا

1. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ وَاقِدٍ الْحَرِيرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا إِلَى دَارِ [4] السَّلَامِ

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بدنیا زاهد و بی رغبت باشد، خدا حکمت را در قلبش بر جا دارد و زبانش را بآن گویا سازد، و او را به عیبهای دنیا و درد و دوايش بينا گرداند، و او را از دنیا سالم بیرون کند و به بهشت دار السلام در آورد.

2. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ جَمِيعاً عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ جُعِلَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي بَيْتٍ وَ جُعِلَ مِفْتَاحُهُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَا يَجِدُ الرَّجُلُ حَلَاوَةَ الْإِيْمَانِ فِي قَلْبِهِ حَتَّى لَا يُبَالِيَ مَنْ أَكَلَ الدُّنْيَا ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع حَرَامٌ عَلَى [5] قُلُوبِكُمْ أَنْ تَعْرِفَ حَلَاوَةَ الْإِيْمَانِ حَتَّى تَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: همه خیر در خانه ئی نهاده شده و کلیدش را زهد و بی رغبتی بدنیا قرار داده اند. سپس فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرد شیرینی ایمان را در قلبش نمییابد، تا آنکه باکش نباشد که چه کسی دنیا را خورد. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: شناختن شیرینی ایمان بر دلهای شما حرامست، تا بدنیا بی رغبت شود.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ 3  
عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّ مِنْ أَعْوَنِ الْأَخْلَاقِ عَلَى الدِّينِ الزُّهْدَ فِي  
[6] الدُّنْيَا

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: اخلاقی که بیشتر انسان را کمک بدین میکند، زهد  
نسبت بدنیاست.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ 4.  
الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ عَنْ أَبِيهِ أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ع عَنِ  
الزُّهْدِ فَقَالَ عَشْرَةُ أَشْيَاءَ فَأَعْلَى دَرَجَةِ الزُّهْدِ أَدْنَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ وَ أَعْلَى دَرَجَةِ الْوَرَعِ أَدْنَى  
دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَ أَعْلَى دَرَجَةِ الْيَقِينِ أَدْنَى دَرَجَةِ الرِّضَا أَلَّا وَ إِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ  
عَزَّ وَ جَلَّ - لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

مردی از علی بن الحسین علیهما السلام در باره زهد پرسید، فرمود زهد ده چیز است،  
(و درجاتی دارد) بالاترین درجه زهد پست ترین درجه ورع و بالاترین درجه ورع پست  
ترین درجه یقین و بالاترین درجه یقین پست ترین درجه رضا است، همانا تمام زهد در  
یک آیه از کتاب خدای عز و جل است

. تا بر آنچه از دست شما رفته افسوس نخورید و بآنچه بشما رسیده شادی نکنید

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ هُوَ يَقُولُ 5.  
كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شَكٌّ أَوْ شِرْكٌ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا لِتَفْرُغَ قُلُوبُهُمْ  
[7] لِلْآخِرَةِ

امام صادق علیه السلام میفرمود: هر دلی که شکی یا شرکی داشته باشد، ساقط و بی  
ارزش است و آنها (پیغمبر و اولیاء خدا) زهد نسبت بدنیا را خواستند تا دلشان برای  
(آخرت فارغ باشد) زیرا محبت دنیا و آخرت در یک دل جمع نشود

عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ 6.  
اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِنَّ عِلَامَةَ الرَّأْغِبِ فِي ثَوَابِ الْآخِرَةِ زُهْدُهُ فِي عَاجِلِ زَهْرَةِ

الدُّنْيَا أَمَّا إِنَّ زُهْدَ الزَّاهِدِ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَا يَنْقُصُهُ مِمَّا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ فِيهَا وَ إِنَّ زُهْدَ - وَ إِنَّ حِرْصَ الْحَرِيسِ عَلَى عَاجِلِ زَهْرَةِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لَا يَزِيدُهُ فِيهَا وَ إِنَّ حِرْصَ [8] قَالَمَغْبُونٌ مَنْ حُرِمَ حَظُّهُ مِنَ الْآخِرَةِ

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: علامت مشتاق بثواب آخرت بی رغبتی نسبت بشکوفه (خرم و بی ثبات) دنیای نقد است، همانا بی رغبتی زاهد نسبت بدنیا، از آنچه خدای عز و جل برایش از دنیا قسمت کرده کاهش ندهد، اگر چه زهد کند، و حرص شخص حریص بر شکوفه دنیای نقد، برایش افزونی نیاورد، اگر چه حرص زند، پس مغبون کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَثْعَمِيِّ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ 7. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَا أَعْجَبَ رَسُولَ اللَّهِ ص شَيْءٌ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهَا جَائِعًا [9] خَائِفًا

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را جز گرسنگی و خوف، چیزی از دنیا مسرور نمیساخت و خوشش نمی آورد.

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ 8. بْنِ رَاشِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ خَرَجَ النَّبِيُّ ص وَ هُوَ مَخْزُونٌ فَأَتَاهُ مَلِكٌ وَ مَعَهُ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذِهِ مَفَاتِيحُ خَزَائِنِ الْأَرْضِ يَقُولُ لَكَ رَبُّكَ افْتَحْ وَ خُذْ مِنْهَا مَا شِئْتَ مِنْ غَيْرِ أَنْ تُنْقِصَ شَيْئًا عِنْدِي فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الدُّنْيَا دَارُ مَنْ لَا دَارَ لَهُ وَ لَهَا يَجْمَعُ مَنْ لَا عَقْلَ لَهُ فَقَالَ الْمَلِكُ وَ الَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَقَدْ سَمِعْتُ [10] هَذَا الْكَلَامَ مِنْ مَلِكٍ يَقُولُهُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ حِينَ أُعْطِيَ الْمَفَاتِيحَ

و فرمود: روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله اندوهگین بیرون رفت، فرشته ای که کلیدهای خزانه های زمین دستش بود، نزد او آمد و گفت: ای محمد: اینها کلیدهای خزانه های زمین است. پروردگارت بتو میگوید: باز کن و هر چه خواهی از زمین بگیر، بدون آنکه چیزی از مقامت نزد من کاسته شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرمود: دنیا خانه کسی است که خانه ندارد. و آنکه عقل ندارد برای دنیا جمع میکند، فرشته گفت: سوگند بآن که ترا بحق مبعوث ساخته، من این سخن را از فرشته ئی در آسمان چهارم شنیدم، زمانی که، کلیدها را بمن دادند

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ 9  
مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ص بِجَدِّي أَسْكَ مُلْقَى عَلَى مَزْبَلَةٍ مَيَّنَا فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ كَمْ يُسَاوِي هَذَا فَقَالُوا  
لَعَلَّهُ لَوْ كَانَ حَيًّا لَمْ يُسَاوِ دِرْهَمًا فَقَالَ النَّبِيُّ ص وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَلدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ  
[11] مِنْ هَذَا الْجَدِّي عَلَى أَهْلِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به بزغاله گوش بریده ای که مرده، و در زباله دان افتاده بود گذر کرد، باصحاب فرمود: این چند می ارزد؟ گفتند: اگر زنده میبود شاید یک درهم ارزش نداشت، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند بآن که جانم در دست اوست که دنیا نزد خدا از این بزغاله نزد اهلش پست تر است.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ 10  
أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِعَبْدٍ خَيْرًا زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَبَصَّرَهُ  
عُيُوبَهَا وَ مَنْ أُوْتِيَهُنَّ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ قَالَ لَمْ يَطْلُبْ أَحَدٌ الْحَقَّ بَبَابٍ أَفْضَلَ  
مِنَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا وَ هُوَ ضِدُّ لِمَا طَلَبَ أَعْدَاءُ الْحَقِّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مِمَّا ذَا قَالَ مِنَ  
الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ قَالَ أَلَا مِنْ صَبَّارٍ كَرِيمٍ فَإِنَّمَا هِيَ أَيَّامٌ فَلَائِلُ أَلَا إِنَّهُ حَرَامٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَجِدُوا  
طَعْمَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَزْهَدُوا فِي الدُّنْيَا

قَالَ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِذَا تَخَلَّى الْمُؤْمِنُ مِنَ الدُّنْيَا سَمًا وَ وَجَدَ حَلَاوَةً حُبَّ اللَّهِ وَ  
كَانَ عِنْدَ أَهْلِ الدُّنْيَا كَأَنَّهُ قَدْ خُوِلَطَ وَ إِنَّمَا خَالَطَ الْقَوْمَ حَلَاوَةً حُبَّ اللَّهِ فَلَمْ يَشْتَغِلُوا بِغَيْرِهِ  
[12] قَالَ وَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ الْقَلْبَ إِذَا صَفَا ضَاقَتْ بِهِ الْأَرْضُ حَتَّى يَسْمُو

امام صادق علیه السلام فرمود: چون خدا خیر بنده ئی را خواهد، او را نسبت بدنیا بی رغبت و نسبت بدین دانشمند کند. و بعیوب دنیا بینایش سازد، و بهر که این خصلتها

داده شود، خیر دنیا و آخرت داده شده، و فرمود: هیچ کس حق را در راهی بهتر از زهد دنیا نجسته است و آن ضد مطلوب دشمنان حق است

راوی گوید: عرض کردم: قربانت، آنها از چه راه میجویند؟ فرمود: از رغبت بدنیا. و فرمود آیا شخص پر صبر کریمی نیست؟ همانا دنیا چند روزاند کست، همانا حرامست بر شما که مزه ایمان چشید جز آنکه نسبت بدنیا بی رغبت شوید

و شنیدم امام صادق علیه السلام میفرمود: چون مؤمن از دنیا کنار کشد، رفعت پیدا کند و شیرینی محبت خدا را دریابد، و نزد اهل دنیا دیوانه نماید، در صورتی که شیرینی محبت خدا بآنها آمیخته شده که بچیز دیگر مشغول نشوند. و شنیدم میفرمود: زمانی که دل صفا پیدا کند، زمین برایش تنگ شود. تا آنجا که پرواز کند

عَلِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَاسِمِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ 11. الْمِنْقَرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ بْنِ شِهَابٍ قَالَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَقَالَ مَا مِنْ عَمَلٍ بَعْدَ مَعْرِفَةِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ وَ مَعْرِفَةِ رَسُولِهِ ص أَفْضَلَ مِنْ بُغْضِ الدُّنْيَا وَ إِنَّ لَذَلِكَ لَشُعْبًا كَثِيرَةً وَ لِلْمَعَاصِي شُعْبًا فَأَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ بِهِ الْكِبَرُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ إِبْلِيسَ حِينَ أَبِي وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ وَ الْحَرِصُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ آدَمَ وَ حَوَّاءَ حِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمَا - فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ فَأَخَذَا مَا لَا حَاجَةَ بِهِمَا إِلَيْهِ فَدَخَلَ ذَلِكَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِمَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَكْثَرَ مَا يَطْلُبُ ابْنُ آدَمَ مَا لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَيْهِ ثُمَّ الْحَسَدُ وَ هِيَ مَعْصِيَةُ ابْنِ آدَمَ حَيْثُ حَسَدَ أَخَاهُ فَقَتَلَهُ فَتَشَعَّبَ مِنْ ذَلِكَ حُبُّ النِّسَاءِ وَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ حُبُّ الرَّئَاسَةِ وَ حُبُّ الرَّاحَةِ وَ حُبُّ الْكَلَامِ وَ حُبُّ الْعُلُوِّ وَ الثَّرْوَةِ فَصِرْنَ سَبْعَ خِصَالٍ فَاجْتَمَعْنَ كُلُّهُنَّ فِي حُبِّ الدُّنْيَا فَقَالَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْعُلَمَاءُ بَعْدَ مَعْرِفَةِ ذَلِكَ [13] حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ الدُّنْيَا دُنيَاءٌ إِنْ دُنْيَا بَلَغُ وَ دُنْيَا مَلْعُونَةٌ

از علی بن الحسین علیهما السلام پرسیدند، کدام عمل نزد خدای عز و جل بهتر است؟ فرمود: هیچ عملی بعد از معرفت خدای جل و عز و رسولش بهتر از بغض دنیا نیست، و برای آن شعبه های بسیاریست و برای گناهان (نافرمانیهای خدا) شعبه های

بسیار است: نخستین نافرمانی که خدا را نمودند تکبر بود و آن نافرمانی شیطان بود، زمانی که سر پیچی و گردنفرازی کرد و از کافران گشت. و دیگر حرص است که نافرمانی آدم و حوا بود، زمانی که خدای عز و جل بآنها فرمود: از هر چه خواهید بخورید ولی باین درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران باشید پس آدم و حوا چیزی را گرفتند که بدان احتیاج نداشتند، و این خصلت تا روز قیامت در ذریه آنها رخنه کرد، از این رو و بیشتر آنچه را آدمیزاد میطلبد بدان احتیاج ندارد. و دیگر حسد است که نافرمانی پسر آدم (قابیل) بود، زمانی که به برادرش (هابیل) حسد برد و او را کشت، و از این نافرمانیها دوستی زنان و دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی استراحت و دوستی سخن گفتن و دوستی سروری و ثروت منشعب گشت، و اینها هفت خصلت است که همگی در دوستی دنیا گرد آمده اند، از این رو پیغمبران و دانشمندان بعد از شناختن این مطلب گفتند: دوستی دنیا سر هر خطا و گناهست و دنیا دو گونه است: دنیای رساننده و دنیای ملعون (یعنی دنیائی که انسان را بطاعت و قرب خدا میرساند بقدر کفاف است که آن ممدوح و پسندیده است و دنیائی که بیش از مقدار کفاف و (زیادتر از احتیاجست که آن مایه لعنت و دوری از رحمت خداست).

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ 12  
رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا إِضْرَارًا بِالْآخِرَةِ وَ فِي طَلَبِ الْآخِرَةِ إِضْرَارًا بِالْدُّنْيَا  
[14] فَأَضِرُّوا بِالْدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوْلَى بِالْإِضْرَارِ

رسول خدا صلی الله علیه فرمود، در دنیا جوئی زیان زدن بآخرتست و در آخرت جوئی زیان زدن بدنیا، شما بدنیا زیان زنید که آن بزیان رسانیدن سزاوارتر است

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ 13  
الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع حَدَّثَنِي بِمَا أُنْتَفَعُ بِهِ فَقَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَةَ  
[15] أَكْثَرَ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ لَمْ يُكْثِرْ إِنْسَانُ ذِكْرَ الْمَوْتِ إِلَّا زَهَدَ فِي الدُّنْيَا

ابو عبیده حذاء گوید: بامام باقر علیه السلام عرض کردم: حدیثی بمن بفرما که از آن سود برم فرمود: ای ابا عبیده، بسیار یاد مرگ کن، زیرا شخصی از مرگ بسیار یاد نکند، جز آنکه بدنیا بی رغبت شود.

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ أَيْمَنَ عَنْ دَاوُدَ الْأُبْزَارِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع 14  
[16] مَلَكٌ يُنَادِي كُلَّ يَوْمٍ ابْنَ آدَمَ لِدِ اللَّيْمَةِ وَاجْمَعْ لِلْفَنَاءِ وَابْنِ لِلْخَرَابِ

امام باقر علیه السلام فرمود: فرشته ئی هر روز فریاد میکشد: آدمیزاد برای مردن برای و برای نابودی گرد آورد و برای خراب شدن بساز

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ عُمَرَ بْنِ أَبَانَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ قَالَ 15  
عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ ارْتَحَلَتْ مُدْبِرَةً وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ ارْتَحَلَتْ مُقْبِلَةً وَلِكُلِّ  
وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ - وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا أَلَا وَ كُونُوا مِنَ  
الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاغِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أَلَا إِنَّ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ  
التُّرَابَ فِرَاشًا وَ الْمَاءَ طِيبًا وَ قَرَضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيضًا أَلَا وَ مَنْ اشْتَاقَ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَكَ عَنِ  
الشَّهَوَاتِ وَ مَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ عَلَيْهِ  
الْمَصَائِبُ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَمَنْ رَأَى أَهْلَ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ مُخَلَّدِينَ وَ كَمَنْ رَأَى أَهْلَ النَّارِ  
فِي النَّارِ مُعَذِّبِينَ شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَ قُلُوبُهُمْ مَحْزُونَةٌ - أَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ حَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ  
صَبَرُوا أَيَّامًا قَلِيلَةً فَصَارُوا بِعُقْبَى رَاحَةٍ طَوِيلَةٍ أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَجْرِي دُمُوعُهُمْ  
عَلَى خُدُودِهِمْ وَ هُمْ يَجْأُرُونَ إِلَى رَبِّهِمْ يَسْعَوْنَ فِي فَكَاكِ رِقَابِهِمْ وَ أَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ  
عُلَمَاءُ بَرَرَةٌ أَتَقِيَاءُ كَأَنَّهُمْ الْقِدَاحُ قَدْ بَرَأَهُمُ الْخَوْفُ مِنَ الْعِبَادَةِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَقُولُ  
مَرْضَى وَ مَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ أَمْ خُولِطُوا فَقَدْ خَالَطَ الْقَوْمَ أَمْرٌ عَظِيمٌ مِنْ ذِكْرِ النَّارِ وَ مَا  
[17] فِيهَا

علی بن الحسین صلوات الله علیهما فرمود دنیا پشت کرده کوچ میکند و آخرت روی آورده می آید و برای هر یک از این دو فرزندان است، شما از فرزندان آخرت باشید و از فرزندان دنیا نباشید و از زاهدین در دنیا و راغبین در آخرت باشید. همانا زاهدین در دنیا زمین را بستر خود گرفتند و خاک را فرش و آب را بوی خوش خود و خویشان را

از دنیا قیچی کردند. همانا هر که مشتاق بهشت شود، از شهوتها فراموش کند و هر که از دوزخ بترسد از محرمات رو گرداند و هر که در دنیا زهد ورزد، مصیبتها بر او آسان شود. همانا خدا را بندگانی است که گویا اهل بهشت را جاودان در بهشت دیده و اهل دوزخ را در دوزخ گرفتار عذاب دیده اند، مردم از شر آنها در امانند، دلشان غمگین است، عفت نفس دارند، حاجاتشان سبک است، چند روزی صبر کردند و بااستراحت طولانی قیامت رسیدند. اما شب گامهایشان برای عبادت صف کشیده، اشکشان بر چهره جاریست و پیروردگار خویش پناه برند و برای آزادی خود (از آتش دوزخ) کوشش کنند. و اما روز خویشتن دارانی باشند، دانشمند، نیکوکار و پرهیزگار، در لاغری مانند چوبه تیری که ترس از عبادت آنها را تراشیده، هر که بآنها نگرد، گوید بیمارند - در صورتی که بیماری ندارند - یا گویند دیوانه اند، در صورتی که بامر بزرگی که یاد آتش دوزخ و وضع آنست گرفتارند.

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْمُؤْمِنِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ 16  
ع فَقَالَ يَا جَابِرُ وَاللَّهِ إِنِّي لَمَحْزُونٌ وَإِنِّي لَمَشْغُولُ الْقَلْبِ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ وَمَا شَغَلَكَ وَمَا حَزَنَ قَلْبَكَ فَقَالَ يَا جَابِرُ إِنَّهُ مَنْ دَخَلَ قَلْبُهُ صَافِي خَالِصٍ دِينَ اللَّهِ شَغِلَ قَلْبُهُ عَمَّا سِوَاهُ  
يَا جَابِرُ مَا الدُّنْيَا وَمَا عَسَى أَنْ تَكُونَ الدُّنْيَا هَلْ هِيَ إِلَّا طَعَامٌ أَكَلْتَهُ أَوْ ثَوْبٌ لَبِسْتَهُ أَوْ امْرَأَةٌ  
أَصْبَتْهَا يَا جَابِرُ إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَطْمَئِنُّوا إِلَى الدُّنْيَا بِبَقَائِهِمْ فِيهَا وَلَمْ يَأْمُنُوا قُدُومَهُمْ الْآخِرَةَ  
يَا جَابِرُ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ وَالدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ وَلَكِنَّ أَهْلَ الدُّنْيَا أَهْلُ غَفْلَةٍ وَكَانَ  
الْمُؤْمِنِينَ هُمُ الْفُقَهَاءُ أَهْلُ فِكْرَةٍ وَعِبْرَةٍ لَمْ يُصِمَّهُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ جَلَّ اسْمُهُ مَا سَمِعُوا  
بِأَذَانِهِمْ وَلَمْ يُغْمِهِمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ مَا رَأَوْا مِنَ الزَّيْنَةِ بِأَعْيُنِهِمْ فَفَارَوْا بِثَوَابِ الْآخِرَةِ كَمَا  
فَارَوْا بِذَلِكَ الْعِلْمِ وَاعْلَمْ يَا جَابِرُ أَنَّ أَهْلَ التَّقْوَى أَيْسَرُ أَهْلَ الدُّنْيَا مَعُونَةً وَ أَكْثَرُهُمْ لَكَ  
مَعُونَةً تَذَكُرُ فَيُعِينُونَكَ وَإِنْ نَسِيتَ ذَكَرُوكَ قَوَّالُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ قَوَّامُونَ عَلَى أَمْرِ اللَّهِ قَطَعُوا  
مَحَبَّتَهُمْ بِمَحَبَّةِ رَبِّهِمْ وَوَحَشُوا الدُّنْيَا لِبَطَاغَةِ مَلِكِهِمْ وَنَظَرُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ إِلَى  
مَحَبَّتِهِ بِقُلُوبِهِمْ وَ عَلِمُوا أَنَّ ذَلِكَ هُوَ الْمَنْظُورُ إِلَيْهِ لِعَظِيمِ شَأْنِهِ فَأَنْزَلَ الدُّنْيَا كَمَنْزِلِ نَزْلَتِهِ  
ثُمَّ ارْتَحَلَتْ عَنْهُ أَوْ كَمَالِ وَجَدَتِهِ فِي مَنَامِكَ فَاسْتَيْقَظْتَ وَ لَيْسَ مَعَكَ مِنْهُ شَيْءٌ إِنَّمَا

ضَرَبْتُ لَكَ هَذَا مَثَلًا لِأَنَّهَا عِنْدَ أَهْلِ اللَّبِّ وَالْعِلْمِ بِاللَّهِ كَفَىءِ الظَّلَالِ يَا جَابِرُ فَاحْفَظْ مَا اسْتَرْعَاكَ اللَّهُ جَلَّ وَ عَزَّ مِنْ دِينِهِ وَ حِكْمَتِهِ وَ لَا تَسْأَلَنَّ عَمَّا لَكَ عِنْدَهُ إِلَّا مَا لَهُ عِنْدَ نَفْسِكَ فَإِنْ تَكُنِ الدُّنْيَا عَلَى غَيْرِ مَا وَصَفْتُ لَكَ فَتَحَوَّلْ إِلَى دَارِ الْمُسْتَعْتَبِ فَلَعَمْرِي لَرُبَّ حَرِيصٍ عَلَى أَمْرِ قَدْ شَقِيَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ وَ لَرُبَّ كَارِهِ لِأَمْرٍ قَدْ سَعَدَ بِهِ حِينَ أَتَاهُ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ [18] وَ جَلَّ وَ لِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ

جابر گوید: خدمت امام باقر علیه السلام، رسیدم، حضرت فرمود: ای جابر بخدا که من غمگین و دلگرفته ام، عرض کردم: قربانت، گرفتاری و غم دل شما چیست؟ فرمود: ای جابر! همانا خالص و صافی دین خدا بدل هر که در آید، دلش از غیر او بگردد، ای جابر! دنیا چیست و امید داری چه باشد؟ مگر دنیا غیر از خوراکی است که خوردی یا جامه ئی که پوشیدی یا زنی که باو رسیدی؟ ای جابر! همانا مؤمنین بماندن در دنیا اطمینان نکردند، و از رسیدن بآخرت ایمن نگشتند. ای جابر! آخرت خانه ثباتست و دنیا خانه نابودی و زوال، ولی اهل دنیا غافلند و گویا مؤمنانند که فقیه و اهل تفکر و عبرتند: آنچه با گوشهای خود شنوند، ایشان را از یاد خدای - جل اسمه - کر نکند و هر زینتی که چشمشان بیند از یاد خدا کورشان ندارد، پس بثواب آخرت رسیدند، چنان که باین دانش رسیدند. و بدان ای جابر که اهل تقوی کم هزینه ترین اهل دنیايند و ترا از همه بیشتر یاری کنند، تا تذکر دهی یاریت کنند و اگر فراموش کنی یادت آورند. امر خدای را گویند و بر امر خدا ایستادگی دارند، برای دوستی پروردگارشان دل از همه چیز کنده و بخاطر اطاعت مالک خویش از دنیا در هراسند و از صمیم دل بسوی خدای عز و جل و محبت او متوجه گشته و دانستند که هدف اصلی همین است، بخاطر عظمت شأنی که دارد پس دنیا را چون بار اندازی دان که در آن بار انداخته و سپس کوچ خواهی کرد. یا مانند ترقی و کمالی که در خواب بآن رسیده و چون بیدار شده ئی چیزی از آن نداری. من این را بعنوان مثل برایت گفتم، زیرا دنیا در نظر خردمندان و خداشناسان مانند سایه بعد از ظهر است. ای جابر! آنچه را خدای جل و عز از دین و حکمتش بتو سپرده حفظ کن و از آنچه برایت نزد خداست مپرس، جز آنچه برای او نزد تو است

(یعنی ثواب و پاداش او باندازه دین نگهداری خودت باشد) و اگر دنیا در نظرت غیر از آنچه گفتم باشد، باید بخانه عذر خواهی روی (و از عقیده سوء خود استغفار کنی). بجان خودم که بسا شخصی که بجیزی حریص است و چون بدستش آید، بسبب آن بدبخت شود، و بسا شخصی که چیزی را ناخوش دارد و چون بآن رسد مایه سعادتش گردد، اینست که خدای عز و جل فرماید تا خدا مؤمنان را تصفیه کند و کافران را کاهش دهد

عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ ع قَالَ قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَحِمَهُ 17. اللَّهُ جَزَى اللَّهُ الدُّنْيَا عَنِّي مَذْمَةً بَعْدَ رَغِيفَيْنِ مِنَ الشَّعِيرِ أَتَغْدَى بِأَحَدِهِمَا وَ أَتَعَشَّى بِالْآخَرِ [19] وَ بَعْدَ شَمَلَتِي الصُّوفِ أَتَزِرُ بِأَحَدَاهُمَا وَ أَتَرْدَى بِالْآخَرِ

ابو ذر - رحمه الله - گفت: خدا بدنيا از طرف من جزای نکوهش دهد، پس از دو قرص نان جو که یکی را صبحانه و دیگری را شام خود سازم و پس از دو پارچه پشمین که یکی را لنگ و دیگری را ردا قرار دهم

و عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَقُولُ فِي خُطْبَتِهِ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ كَأَنَّ شَيْئًا مِنَ الدُّنْيَا لَمْ يَكُنْ شَيْئًا إِلَّا مَا يَنْفَعُ خَيْرُهُ وَ يَضُرُّ شَرُّهُ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ لَا يَشْغَلُكَ أَهْلٌ وَ لَا مَالٌ عَنْ نَفْسِكَ أَنْتَ يَوْمَ تَفَارِقُهُمْ كَضَيْفٍ بَتَّ فِيهِمْ ثُمَّ غَدَوْتَ عَنْهُمْ إِلَى غَيْرِهِمْ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةُ كَمَنْزِلٍ تَحَوَّلَتْ مِنْهُ إِلَى غَيْرِهِ وَ مَا بَيْنَ الْمَوْتِ وَ الْبَعْثِ إِلَّا كَنَوْمَةٍ نِمْتَهَا ثُمَّ اسْتَيْقَظَتْ مِنْهَا يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ قَدَّمَ لِمَقَامِكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنَّكَ مُثَابٌّ بِعَمَلِكَ كَمَا تَدِينُ تَدَانُ [20] يَا مُبْتَغِي الْعِلْمِ

امام صادق علیه السلام فرمود: ابو ذر - رضی الله عنه - در سخنرانی خود میگفت: ای دانش جو! گویا هیچ چیز دنیا چیزی نبوده، جز آنچه خوبش بمردم سود بخشد و شرش زیان، مگر آنکه را خدا ترحم کند (و او را بیامرزد) ای دانشجو! مبادا اهل بیت و مال دنیا ترا از خودت باز دارند، که تو روزی که از آنها جدا شوی مانند مهمانی باشی که شب را با آنها خوابیده و صبح نزد دیگران رفته ئی و دنیا و آخرت مانند منزلی است که از یکی

بدیگری منتقل شوی و میان مردن و از گور برخاستن جز مانند خوابیدن و بیدار شدن نیست. ای دانشجو! برای ایستادن در برابر خدای عز و جل طاعتی پیش فرست، زیرا  
 !بعملت پاداش بینی و چنان که کنی، جزا یابی، ای دانشجو

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ 19. [21] الرَّائِبِ رُفِعَتْ لَهُ شَجَرَةٌ فِي يَوْمٍ صَائِفٍ فَقَالَ تَحْتَهَا ثُمَّ رَاحَ وَتَرَكَهَا

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با دنیا چکار؟ حکایت من و دنیا حکایت  
 سواریست که در روز گرمی درختی برایش بپا شده و او در زیر آن درخت خواب قیلوله  
 (کوتاهی) نموده، سپس کوچ کرده و درخت را وا گذاشته است

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ عُقْبَةَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع 20  
 قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع مَثَلُ الْخَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُوْدَةَ الْقَرْ كَلَّمَا ارْزَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفًّا  
 كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ فِيْمَا وَعَظَ بِهِ  
 لِقَمَانُ ابْنَهُ يَا بُنَيَّ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ لِأَوْلَادِهِمْ فَلَمْ يَبْقَ مَا جَمَعُوا وَ لَمْ يَبْقَ مَنْ  
 جَمَعُوا لَهُ وَ إِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأْجَرٌ قَدْ أَمِرْتَ بِعَمَلٍ وَ وُعِدْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا فَأَوْفِ عَمَلَكَ وَ  
 اسْتَوْفِ أَجْرَكَ وَ لَا تَكُنْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ شَاةٍ وَقَعَتْ فِي زَرْعٍ أَخْضَرَ فَأَكَلَتْ حَتَّى  
 سَمِنَتْ فَكَانَ حَتْفُهَا عِنْدَ سِمَنِهَا وَ لَكِنْ اجْعَلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ قَنْطَرَةٍ عَلَى نَهْرٍ جُرَتْ عَلَيْهَا وَ  
 تَرَكْتَهَا وَ لَمْ تَرْجِعْ إِلَيْهَا آخِرَ الدَّهْرِ أَخْرِبْهَا وَ لَا تَعْمُرْهَا فَإِنَّكَ لَمْ تُؤْمَرْ بِعِمَارَتِهَا وَ اعْلَمْ  
 أَنَّكَ سَتُسْأَلُ غَدًا إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ أَرْبَعٍ شَبَابِكَ فِيْمَا أَبْلَيْتَهُ وَ عُمْرِكَ  
 فِيْمَا أَفْنَيْتَهُ وَ مَالِكَ مِمَّا اكْتَسَبْتَهُ وَ فِيْمَا أَنْفَقْتَهُ فَتَاهَبْ لِذَلِكَ وَ أَعِدْ لَهُ جَوَابًا وَ لَا تَأْسَ عَلَى  
 مَا فَاتَكَ مِنَ الدُّنْيَا فَإِنَّ قَلِيلَ الدُّنْيَا لَا يَدُومُ بَقَاؤُهُ وَ كَثِيرُهَا لَا يُؤْمَنُ بِلَاؤُهُ فَخُذْ حِذْرَكَ وَ جِدَّ  
 فِي أَمْرِكَ وَ اكْشِفِ الْغِطَاءَ عَنْ وَجْهِكَ وَ تَعَرَّضْ لِمَعْرُوفِ رَبِّكَ وَ جَدِّدِ التَّوْبَةَ فِي قَلْبِكَ وَ  
 اكْمُسْ فِي فَرَاغِكَ قَبْلَ أَنْ يُقْصَدَ قَصْدُكَ وَ يُقْضَى قِضَاؤُكَ وَ يُحَالَ يَبْنِكَ وَ يَبْنَ مَا  
[22] تُرِيدُ

امام باقر علیه السلام فرمود: حکایت شخص حریص دنیا، حکایت کرم ابریشم است که هر چه بیشتر بر خود تند، راه بیرون آمدنش دورتر شود تا آنکه از غصه بمیرد. و امام صادق علیه السلام فرمود: در آنچه لقمان پسرش را موعظه کرد این بود که: پسر جان! مردم پیش از تو برای فرزندان خود اموالی گرد آوردند: ولی نه آن اموال گرد آمده باقی ماند و نه اولادی که برای آنها گرد آوردند. و همانا تو بنده مزدوری باشی که بکاری دستورات داده اند و اجرتی برایش وعده داده اند پس کارت را تمام کن و اجرتت را تمام بگیر. و در این دنیا مانند گوسفندی مباش که در میان زراعت سبزی افتاده و بخورد تا فربه شود و مرگش هنگام فربهیش باشد، بلکه دنیا را مانند پل روی نهری دان که بر آن میگذری و آن را وامیگذاری و تا پایان روزگار بسویش برنمیگردی، خرابش کن و آبادش مساز که مأمور بساختنش نیستی. و بدان که چون فردای قیامت در برابر خدای عز و جل بایستی، از چهار چیز پرسش شوی: 1- جوانیت را در چه راه پیر کردی؟ 2- عمرت را در چه راه بسر بردی؟ 3- مالت را از چه راه بدست آوردی؟ 4- و در چه راه خرج کردی؟ پس آماده این مقام باش و پاسخش را تهیه کن، و بر آنچه از دنیا از دستت رفت افسوس مخور، زیرا اندک دنیا را دوام و بقائی نیست و بسیارش از بلا ایمن نباشد، پس آماده و برحذر باش و در کار خود کوشش کن و پرده (غفلت) از چهره (دل) بردار، و متوجه احسان پروردگارت (بسبب اعمال صالح) باش، و در دلت توبه را تازه دار، و در زمان فراغت بشتاب، پیش از آنکه آهنگ تو شود و مرگت فرا رسد و میان تو و خواسته هایت پرده افتد.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ ابْنِ أَبِي يَغْفُورٍ قَالَ 21  
 سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ فِيمَا نَاجَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى ع يَا مُوسَى لَا تَرْكُنْ إِلَى  
 الدُّنْيَا رُكُونِ الظَّالِمِينَ وَ رُكُونِ مَنْ اتَّخَذَهَا أَبًا وَ أُمًّا يَا مُوسَى لَوْ وَكَلْتُكَ إِلَى نَفْسِكَ لَتَنْظُرَ  
 لَهَا إِذَا لَعَلَّكَ عَلَيْكَ حُبُّ الدُّنْيَا وَ زَهَرَتْهَا يَا مُوسَى نَافِسٌ فِي الْخَيْرِ أَهْلُهُ وَ اسْتَبَقَهُمْ إِلَيْهِ  
 فَإِنَّ الْخَيْرَ كَاسِمِهِ وَ أَتْرَكَ مِنَ الدُّنْيَا مَا بَكَ الْغِنَى عَنْهُ وَ لَا تَنْظُرْ عَيْنُكَ إِلَى كُلِّ مَفْتُونٍ بِهَا  
 وَ مُوَكَّلٍ إِلَى نَفْسِهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ فِتْنَةٍ بَدَوُهَا حُبُّ الدُّنْيَا وَ لَا تَغِطُ أَحَدًا بِكَثْرَةِ الْمَالِ فَإِنَّ

مَعَ كَثْرَةِ الْمَالِ تَكْثُرُ الذُّنُوبُ لِوَاجِبِ الْحُقُوقِ وَ لَا تَغْبِطَنَّ أَحَدًا بِرِضَى النَّاسِ عَنْهُ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ رَاضٍ عَنْهُ وَ لَا تَغْبِطَنَّ مَخْلُوقًا بِطَاعَةِ النَّاسِ لَهُ فَإِنَّ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُ وَ اتِّبَاعَهُمْ إِيَّاهُ [23] عَلَى غَيْرِ الْحَقِّ هَلَاكٌ لَهُ وَ لِمَنْ اتَّبَعَهُ

امام صادق علیه السلام میفرمود: از مناجاتهای خدای عز و جل با موسی علیه السلام این بود که ای موسی دنیا تکیه مکن، مانند تکیه کردن ستمگران و تکیه کردن کسی که آن را پدر و مادر خود دانسته، ای موسی: اگر ترا بخودت واگذارم که بآن بنگری، محبت و رونق دنیا بر تو چیره شود، ای موسی در کار خیر با اهلش مسابقه گذار و بر آنها پیشی گیر، زیرا کار خیر مانند اسمش (نیکو و پسندیده) است، و آنچه از دنیا را که بدان احتیاج نداری رها کن. و بفریب خورندگان دنیا و بخود واگذاشتگان منکر، و بدان که آغاز هر فتنه ئی محبت دنیاست، و بمال زیاد هیچ کس غبطه مبر، زیرا مال بسیار مایه گناه بسیار است، نظر بحقوق واجبه، و بحال کسی که مردم از او خشنودند غبطه مبر، تا بدانی خدا هم از او خشنود است و نیز بحال مخلوقی که مردم از او اطاعت کنند غبطه مبر، زیرا اطاعت و پیروی ناحق مردم از او باعث هلاکت او و پیروانش باشد.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ ص إِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْحَيَّةِ مَا أَلَيْنَ مَسَّهَا وَ فِي جَوْفِهَا [24] السَّمُّ النَّاقِعُ يَحْذَرُهَا الرَّجُلُ الْعَاقِلُ وَ يَهْوِي إِلَيْهَا الصَّبِيُّ الْجَاهِلُ

امام صادق علیه السلام فرمود در کتاب علی صلوات الله علیه است که: حکایت دنیا حکایت مار است، که چه اندازه سودنش نرم است و زهر کشنده در درون دارد، مرد عاقل از آن پرهیزد، و کودک نادان بسویش گراید.

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع. 23. ع كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ يَعْظُهُ أَوْصِيكَ وَ نَفْسِي بَتَقْوَى مَنْ لَا تَحِلُّ مَعْصِيَتُهُ وَ لَا يُرْجَى غَيْرُهُ وَ لَا الْغِنَى إِلَّا بِهِ فَإِنَّ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ وَ قَوَّى وَ شَبَعَ وَ رَوَّى وَ رَفَعَ عَقْلُهُ عَنْ أَهْلِ الدُّنْيَا فَبَدَنُهُ مَعَ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ قَلْبُهُ وَ عَقْلُهُ مُعَايِنُ الْآخِرَةِ فَأُطْفَأَ بَصُوءُ قَلْبِهِ مَا أَبْصَرَتْ عَيْنَاهُ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا فَقَذِرَ حَرَامَهَا وَ جَانَبَ شُبُهَاتِهَا وَ أَضَرَّ وَ اللَّهَ بِالْحَلَالِ

الصَّافِي إِلَّا مَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْ كِسْرَةٍ مِنْهُ يَشُدُّ بِهَا صَلْبَهُ وَ تَوْبٍ يُوَارِي بِهِ عَوْرَتَهُ مِنْ أَعْلَظِ مَا يَجِدُ وَ أَحْسَنِهِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ فِيمَا لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ ثِقَةٌ وَ لَا رَجَاءٌ فَوَقَّعَتْ ثِقَتُهُ وَ رَجَاؤُهُ عَلَى خَالِقِ الْأَشْيَاءِ فَجَدَّ وَ اجْتَهَدَ وَ اتَّعَبَ بَدَنَهُ حَتَّى بَدَتْ الْأَضْلَاعُ وَ غَارَتِ الْعَيْنَانِ فَأَبْدَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ ذَلِكَ قُوَّةً فِي بَدَنِهِ وَ شِدَّةً فِي عَقْلِهِ وَ مَا ذُخِرَ لَهُ فِي الْآخِرَةِ أَكْثَرُ قَارُفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حُبَّ الدُّنْيَا يُغْمِي وَ يُصِمُّ وَ يُبْكِمُ وَ يُذِلُّ الرِّقَابَ فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَ لَا تَقُلْ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَ التَّسْوِيفِ حَتَّى آتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَغْتَةً وَ هُمْ غَافِلُونَ فَتَنَقَّلُوا عَلَى أَعْوَادِهِمْ إِلَى قُبُورِهِمْ الْمُظْلِمَةِ الضِّيْقَةِ وَ قَدْ أَسْلَمَهُمُ الْأَوْلَادُ وَ الْأَهْلُونَ فَانْقَطَعَ إِلَى اللَّهِ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ مِنْ رَفُضِ الدُّنْيَا وَ عَزَمَ لَيْسَ فِيهِ انْكِسَارٌ وَ لَا انْخِرَالٌ [25] أَعَانَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ عَلَى طَاعَتِهِ وَ وَفَّقَنَا اللَّهُ وَ إِيَّاكَ لِمَرْضَاتِهِ

امام صادق علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام بیکی از اصحابش بعنوان موعظه نوشت: ترا و خودم را به تقوای کسی سفارش میکنم که نافرمانیش روا نیست و امید و بی نیازی جز باو و از او نباشد زیرا هر که از خدا پروا کرد، عزیز و قوی شد و سیر و سیر آب گشت و عقلش از اهل دنیا بالا گرفت، تنها پیکرش همراه اهل دنیاست، ولی دل و خردش نگران آخرتست، آنچه را از محبت دنیا چشمش دیده پرتو دلش خاموش نموده، حرامش را پلید دانسته و از شبهاتش دوری گزیده، بخدا که بحلال خالص دنیا هم توجه ننموده جز بمقداری که ناچار از آنست، مانند پاره نانی که به پیکرش نیرو دهد و جامه ای که عورتش را بپوشاند، آن هم از درشت ترین خوراک و ناهموارترین لباسی که بدستش آید، و نسبت بآنچه ناچار هم میباشد اطمینان و امیدی ندارد، و اطمینان و امیدش بآفریننده همه چیز است. تلاش و کوشش کند و تنش را بزحمت اندازد تا استخوانهایش نمودار شود و دیدگانش بگودی رود، و خدا در عوض نیروی بدنی و توانائی عقلیش دهد، و آنچه در آخرت برایش اندوخته بیشتر است، دنیا را رها کن که محبت دنیا کور و کر و لال و زبون کند، پس در آنچه از عمرت باقیمانده جبران گذشته نما و فردا و پس فردا مگو، زیرا پیشینیانت که هلاک شدند، بخاطر پایداری بر آرزوها و امروز و فردا کردن بود تا آنکه ناگهان فرمان خدا بسویشان آمد

(مرگشان رسید) و آنها غافل بودند، سپس بر روی تابوت بسوی گورهای تنگ و تاریک خود رهسپار گشته و فرزندان و اهل بیتش او را رها کردند، پس با دلی متوجه و از همه بریده و ترک دنیا نموده، با تصمیمی که شکست و بریدگی ندارد بسوی خدا رو. خدا من و ترا بر اطاعتش یاری کند و بموجبات رضایتش موفق دارد.

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ وَغَيْرِهِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي 24. عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَثَلُ الدُّنْيَا كَمَثَلِ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ ازدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَقْتُلَهُ [26]

امام صادق علیه السلام فرمود: دنیا مانند آب دریاست که هر چه شخص تشنه از آن بیشتر آشامد، تشنگیش بیشتر شود تا او را بکشد.

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرِّضَا ع يَقُولُ قَالَ 25. عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا لَا يَأْسَى [27] أَهْلُ الدُّنْيَا عَلَى مَا فَاتَهُمْ مِنْ دِينِهِمْ إِذَا أَصَابُوا دُنْيَاهُمْ

و شاء گوید: شنیدم امام رضا علیه السلام میفرمود: عیسی بن مریم صلوات الله علیه بحواریین گفت: ای بنی اسرائیل! بر آنچه از دنیا از دست شما رفت افسوس مخورید، چنان که اهل دنیا چون بدنای خود برسند، بر دین از دست داده خود افسوس نخورند.

بحار الأنوار

باب الزهد و درجاته

مع، [معانی الأخبار] لی، [الأمالی للصدوق] فِي خَبَرِ الشَّيْخِ الشَّامِيِّ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ 1- ع أَيُّ النَّاسِ خَيْرٌ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ أَخَوْفُهُمْ لِلَّهِ وَ أَعْمَلُهُمْ بِالتَّقْوَى وَ أَزْهَدُهُمْ فِي الدُّنْيَا [28]

امالی صدوق از امیر مؤمنان علی علیه السلام سؤال شد. بهترین مردم نزد خدا کیست؟ فرمود آن کس که ترسش از خدا بیشتر و پرهیزگارش بهتر و در دنیا زاهدتر از همه باشد.

مع، [معانی الأخبار] أَبِي عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع 2. [29] قَالَ قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَالَ تَنَكُّبُ حَرَامِهَا

امام صادق علیه السلام : به امیر المؤمنین علیه السلام عرض شد : زهد به دنیا چیست؟  
فرمود: فرو گذاشتن حرام آن

مع، [معانی الأخبار] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ 3. مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ الْأَحْمَسِيِّ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع يَقُولُ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ [30] عَلَيْكَ

بی رغبتی به دنیا عبارت است از کوتاه کردن آرزو و به جای آوردن شکر هر نعمتی و  
پرهیز از هر آنچه خداوند حرام کرده است

مع، [معانی الأخبار] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ الْجَهْمِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ 4. السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَيْسَ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا بِإِضَاعَةِ الْمَالِ وَ لَا بِتَحْرِيمِ الْحَلَالِ بَلِ الزُّهْدُ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَا تَكُونَ بِمَا فِي يَدِكَ أَوْثَقَ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ [31]

امام صادق علیه السلام : بی رغبتی به دنیا، به استفاده نکردن از مال و ثروت و یا حرام کردن حلال [بر خود] نیست ، بلکه بی رغبتی به دنیا آن است که به آنچه در دست داری، از آنچه در دست خداوند عز و جل است مطمئن تر نباشی

مع، [معانی الأخبار] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] لی، [الأمالی للصدوق] الْمُفَسِّرُ 6. عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النَّاصِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع قَالَ سُئِلَ الصَّادِقُ ع عَنِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا قَالَ الَّذِي يَتْرُكُ حَلَالَهَا [32] مَخَافَةَ حِسَابِهِ وَ يَتْرُكُ حَرَامَهَا مَخَافَةَ عَذَابِهِ

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به این که زاهد به دنیا کیست؟ - فرمود : کسی که از  
بیم حسابرسی ، حلال دنیا را ترک گوید و از بیم کیفر ، حرام آن را رها کند

لی، [الأمالی للصدوق] قَدْ مَضَى فِي بَابِ الْيَقِينِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ 7.  
[33] الْأَمَّةِ بِالزُّهْدِ وَالْيَقِينِ وَهَلَاكَ آخِرُهَا بِالشُّحِّ وَالْأَمَلِ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این امت در آغاز به سبب زهد و یقین درست شد و در  
پایان به واسطه بخل و آرزو نابود می شود

فس، [تفسیر القمی] أَبِي عَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ 8.  
ع جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا حَدُّ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ فَقَدْ حَدَّهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ لِكَيْلَا  
تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ إِنَّ أَعْلَمَ النَّاسِ بِاللَّهِ أَخْوَفُهُمْ بِاللَّهِ وَأَخْوَفُهُمْ لَهُ  
[34] أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَاعْلَمُهُمْ بِهِ أَزْهَدُهُمْ فِيهَا

حفص گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم قربانت گردم زهد در دنیا را  
تعریف فرمائید فرمود: خداوند آن را در کتاب خود تعریف کرده است از گذشته ها  
تاسف نخورید، و از آنچه به شما رسید خوشحال نباشید، داناترین مردم آنهایی هستند  
که بیشتر از خداوند می ترسند و آن که زیادت می ترسد زیادت می داند، و آن که  
زیادت می داند زهدش هم زیادت است

ضه، [روضه الواعظین] قَالَ النَّبِيُّ ص إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ أُعْطِيَ الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا 9-  
فَاقْتَرِبُوا مِنْهُ فَإِنَّهُ يُلْقَى الْحِكْمَةَ وَ قَالَ ص الْمُؤْمِنُ بَيْنَهُ قَصَبٌ وَ طَعَامُهُ كِسْرٌ وَ رَأْسُهُ شَعِثٌ وَ  
[35] ثِيَابُهُ خَلَقٌ وَ قَلْبُهُ خَاشِعٌ وَ لَا يَغْدِلُ بِالسَّلَامَةِ شَيْئًا

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: هر گاه مشاهده کردید که مردی زاهد شده  
از وی حکمت فرا گیرید که به او حکمت تلقین شده است. و فرموده اند: مؤمن خانه  
اش از نی و خوراکش قطعه نانی و سرش ژولیده و جامه اش فرسوده و دلش خاشع  
است و هیچ چیز را با سلامت دینش برابر نمی داند

ل، [الخصال] ابْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ  
النُّوفَلِيِّينَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ كُونُوا عَلَى قَبُولِ الْعَمَلِ أَشَدَّ

عَنَايَةً مِنْكُمْ عَلَى الْعَمَلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا قَصْرُ الْأَمَلِ وَ شُكْرُ كُلِّ نِعْمَةٍ الْوَرَعُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ  
[36] عَزَّ وَ جَلَّ مَنْ أَسْخَطَ بَدَنَهُ أَرْضَى رَبَّهُ وَ مَنْ لَمْ يُسْخِطْ بَدَنَهُ عَصَى رَبَّهُ

امیر المؤمنین (ع) فرمود: به پذیرش عمل بیشتر عنایت بورزید تا اصل عمل، کوتاهی آرزو (نشانه) بی رغبتی بدنیا است و سپاس هر نعمت اجتناب از محرمات الهی (عز و جل) هر که جسم خویشتن ناشاد سازد [با سختی عبادت و ترک گناه] خدای را شاد کند. و آنکه بدن خویش ناشاد نسازد بمعصیت خدا گرفتار آید.

ل، [الخصال] مَا جِيلَوِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ 11.  
دَاوُدَ الْيَقُوبِيِّ عَنْ أَخِيهِ سُلَيْمَانَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَجُلٌ لِلنَّبِيِّ ص يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا فَعَلْتُهُ أَحَبَّنِيَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ وَ أَحَبَّنِيَ النَّاسُ مِنَ الْأَرْضِ فَقَالَ لَهُ ارْغَبْ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ  
[37] عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبَّكَ اللَّهُ وَ ازْهَدْ فِيمَا عِنْدَ النَّاسِ يُحِبَّكَ النَّاسُ

مردی بحضور پیغمبر عرضه داشت یا رسول الله مرا کاری بیاموز که چون آن کار کنم خداوند و مردم دوستم بدارند، فرمود: به آنچه نزد خدا است چشم بدار تا خدایت دوست بدارد و از آنچه نزد مردم است چشم بپوش تا مردم دوستت بدارند.

ل، [الخصال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُسْلِيِّ عَنْ عَبْدِ 12.  
الْأَعْلَى عَنْ نَوْفٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي  
الْآخِرَةِ أُولَئِكَ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْأَرْضَ بَسَاطًا وَ تَرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ دَنَارًا وَ  
[38] الدُّعَاءَ شِعَارًا وَ قَرُّضُوا مِنَ الدُّنْيَا تَقْرِيضًا عَلَى مِنْهَاجِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ع الْخَبَرِ

امیر المؤمنین (ع) فرمود: خوشا آنان که دل از این جهان گسستند و بدان جهان بستند. آنان مردمی اند که زمین را گستر دنی خود گرفته اند و خاک آن را بستر و آب آن را طیب. قرآن را به جانشان بسته دارند و دعا را ورد زبان. چون مسیح دنیا را از خود دور ساخته اند - و نگاهی بدان نینداخته

مع، [معانی الأخبار] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ سَأَلَ النَّبِيَّ ص 13.  
جَبْرَيْلَ ع عَنْ تَفْسِيرِ الزُّهْدِ قَالَ الزَّاهِدُ يُحِبُّ مَنْ يُحِبُّ خَالِقَهُ وَ يُبْغِضُ مَنْ يُبْغِضُ خَالِقَهُ وَ

يَتَحَرَّجُ مِنْ حَلَالِ الدُّنْيَا وَلَا يَلْتَفِتُ إِلَى حَرَامِهَا فَإِنْ حَلَّالَهَا حِسَابٌ وَحَرَامَهَا عِقَابٌ وَيَرْحَمُ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ كَمَا يَرْحَمُ نَفْسَهُ وَيَتَحَرَّجُ مِنَ الْكَلَامِ كَمَا يَتَحَرَّجُ مِنَ الْمَيْتَةِ الَّتِي قَدْ اشْتَدَّ نَنْهَاهَا وَيَتَحَرَّجُ عَنْ حُطَامِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا كَمَا يَتَجَنَّبُ النَّارَ أَنْ يَغْشَاهَا وَأَنْ يُقْصَرَ أَمَلُهُ كَأَنَّ [39] بَيْنَ عَيْنَيْهِ أَجَلُهُ

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : گفتم : ای جبرئیل! تفسیر زهد چیست؟ گفت : زاهد، آنچه را که آفریدگارش دوست دارد ، دوست می دارد و آنچه را آفریدگارش ناخوش دارد ، ناخوش می دارد و از حلال دنیا می پرهیزد و به حرام آن توجه نمی کند ؛ زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش کیفر؛ و [زاهد] همچنان که به خودش رحم می کند، به همه مسلمانان نیز رحم می کند و همچنان که از مردار گندیده بسیار بد بو، دوری می کند از سخن گفتن نیز می پرهیزد و همچنان که از آتش دوری می کند، که مبادا او را فرا گیرد، از خُرده ریزه های دنیا نیز کناره می گیرد و آرزویش کوتاه است و مرگ را . در برابر چشم خود دارد

ل، [الخصال] لی، [الأمالی للصدوق] مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَسَدِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ -14- بْنِ سُلَيْمَانَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْوَاهِبِيِّ وَ أَحْمَدَ بْنِ عُمَيْرٍ وَ مُحَمَّدَ بْنَ أَبِي أَيُّوبَ قَالُوا حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ هَانِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَمِّهِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أُمِّ الدَّرْدَاءِ عَنْ أَبِي الدَّرْدَاءِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَصْبَحَ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا يَا ابْنَ خَتْمٍ يَكْفِيكَ مِنْهَا مَا سَدَّ جُوعَكَ [جَوْعَتَكَ] وَ وَارَى عَوْرَتَكَ فَإِنْ يَكُنْ بَيْتٌ يَكُنُّكَ فَذَاكَ وَ إِنْ تَكُنْ دَابَّةٌ تَرْكَبُهَا فَبَخٍ بَخٍ وَ إِلَّا فَالْخُبْزُ وَ مَاءُ الْجَرِّ [الْجَرَّةُ] وَ مَا بَعْدَ [40] ذَلِكَ حِسَابٌ عَلَيْكَ أَوْ عَذَابٌ

رسول خدا صلی الله علیه و آله به ابو درداء فرمود: کسی که بدنش سالم، دارای امنیت و مالک مخارج یک روز و شب خود باشد، گویا تمام دنیا را داراست. ای پسر جعشم! مخارجی که بر تو لازم است، اول غذایی است که گرسنگی تو را برطرف سازد. و دوم لباسی است که بدنت را بپوشاند. اگر خانه هم داشتی که خوب است و اگر وسیله

سواری هم بر اینها اضافه شد که خیلی عالی است. اما اگر اینها فراهم نشد، نان و آب که باشد، کافی است، چون غیر از آن، یا حساب دارد یا عذاب

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّقَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ سَيْفٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ مَنْ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنْ طَلَبِ الْمَعَاشِ خَفَّتْ مِثْقَلُهُ وَ رَخِيَ بَالُهُ وَ نَعِمَ عِيَالُهُ وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَثْبَتَ اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ [41] بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا دَاءَهَا وَ دَوَاءَهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ

حضرت صادق علیه السلام فرمود: آن کس که از رفتن دنبال روزی و تأمین زندگی احساس شرم و خجلت نکند و در هر گونه فعالیت زندگی اقدام نماید هزینه زندگیش را سبک و آسان بدست می آورد و کارش منظم و خانواده اش در نعمت خواهد بود و هر که دارای حالت زهد و پارسائی باشد خداوند حکمت و دانش به قلبش القاء نموده و زبانش را به آن گویا و به تمام عیوب دنیا و درد و درمانش بصیر و بینا مینماید و با ایمان سالم از دنیا خارج و بدار السلام بهشت وارد میسازد

ثو، [ثواب الأعمال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنِ الْوَصَّافِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ كَانَ فِيْمَا نَجَى اللَّهُ بِهِ مُوسَى ع عَلَى الطُّورِ أَنْ يَأْتِيَ مُوسَى أَبْلَغَ قَوْمَكَ أَنَّهُ ... لَا تَزَيْنَ لِي الْمُتَزَيِّنُونَ بِمِثْلِ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا عَمَّا بِهِمُ الْغِنَى عَنْهُ قَالَ فَقَالَ مُوسَى يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ فَمَاذَا أَثْبَتَهُمْ عَلَى ذَلِكَ فَقَالَ يَا مُوسَى ... وَ أَمَّا الْمُتَقَرَّبُونَ إِلَيَّ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَإِنِّي أُبَيِّحُهُمُ الْجَنَّةَ بِحَذَائِيرِهَا يَتَبَوَّءُونَ مِنْهَا حَيْثُ [42] يَشَاءُونَ

حضرت باقر علیه السلام فرمود: خداوند در یکی از وحی ها در طور، به موسی فرمود: ای موسی، به قومت ابلاغ کن که... آراستگان، خود را برای من به زیوری نیاراستند که همانند بی رغبتی به دنیا در آنچه بدان نیاز ندارند باشد... موسی عرض کرد: ای کریمترین بخشنندگان، در قبال این اوصاف چه چیزی بر آن اشخاص می دهی؟ خداوند فرمود: ... بهشت را برای آنان مباح می کنم، هر کجا دلشان می خواهد بمانند

سن، [المحاسن] أَبِي رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِرَجُلٍ أَحْكَمَ أَهْلُ الْآخِرَةِ أَمْرَ - 17  
 آخِرَتِهِمْ كَمَا أَحْكَمَ أَهْلُ الدُّنْيَا أَمْرَ دُنْيَاهُمْ فَإِنَّمَا جُعِلَتِ الدُّنْيَا شَاهِدًا يُعْرَفُ بِهَا مَا غَابَ  
 [43] عَنْهَا مِنَ الْآخِرَةِ فَاعْرِفِ الْآخِرَةَ بِهَا وَلَا تَنْظُرْ إِلَى الدُّنْيَا إِلَّا بِاعْتِبَارٍ

امام صادق عليه السلام فرمودند: اهل آخرت امور آخرت خود را محکم نموده اند  
 همچنان که اهل دنیا کارهای دنیوی خود را محکم نموده اند و دنیا برای این قرار داده  
 شد تا شاهد خوبی باشد برای شناخت آنچه که در آخرت پنهان است. پس آخرت را با  
 . دنیا بشناس و بدنیا جز بنظر عبرت نگاه نکن

ضا، [فقه الرضا علیه السلام] أَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ ع أَنَّهُ قَالَ إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَرَحَّلَتْ مُدْبِرَةً - 18  
 وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ تَرَحَّلَتْ مُقْبِلَةً وَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أَبْنَاءِ الْآخِرَةِ وَلَا تَكُونُوا  
 مِنْ أَبْنَاءِ الدُّنْيَا وَكُونُوا مِنَ الزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ لِأَنَّ الزَّاهِدِينَ اتَّخَذُوا  
 الْأَرْضَ بَسَاطًا وَالتُّرَابَ فِرَاشًا وَالْمَاءَ طَبِيبًا وَقَرَضُوا الدُّنْيَا تَقْرِيبًا أَلَا مَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ  
 سَلًا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ وَمَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا هَانَتْ  
 عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا شُرُورُهُمْ مَأْمُونَةٌ وَقُلُوبُهُمْ مَخْزُونَةٌ وَأَنْفُسُهُمْ عَفِيفَةٌ وَ  
 حَوَائِجُهُمْ خَفِيفَةٌ صَبَرُوا أَيَّامًا فَصَارَتْ لَهُمُ الْعُقْبَى رَاحَةً طَوِيلَةً أَمَّا آتَاءُ اللَّيْلِ فَصَاقُوا عَلَى  
 أَقْدَامِهِمْ وَآتَاءُ النَّهَارِ فَخَلَصُوا مَخْلَصًا وَهُمْ عَابِدُونَ يَسْعَوْنَ فِي فَكَاكٍ رِقَابِهِمْ بَرَرَةً أَتَقِيَاءُ  
 كَأَنَّهُمُ الْقِدَاحُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَقُولُ مَرْضَى وَرَوَى عَنِ الْمَسِيحِ ع أَنَّهُ قَالَ لِلْحَوَارِيِّينَ  
 أَكَلِي مَا أَتَبَتَهُ الْأَرْضُ لِلْبَهَائِمِ وَشَرِبِي مَاءَ الْفُرَاتِ بِكَفِّي وَسِرَاجِي الْقَمَرُ وَفِرَاشِي التُّرَابُ  
 وَوَسَادَتِي الْمَدْرُ وَلُبْسِي الشَّعْرُ لَيْسَ لِي وَلَدٌ يَمُوتُ وَلَا لِي امْرَأَةٌ تَحْزَنُ وَلَا بَيْتٌ يَخْرُبُ وَ  
 لَا مَالٌ يَتَلَفُ فَإِنَّا أَغْنَى وَلَدِ آدَمَ

وَأَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا فَقَالَ وَ  
 اللَّهُ مَا كَانَ ذَهَبًا وَلَا فِضَّةً وَلَكِنَّهُ كَانَ لَوْحٌ مِنْ ذَهَبٍ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ أَرْبَعَةُ أَحْرَفٍ أَنَا اللَّهُ لَا  
 إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ لَمْ يَضْحَكْ سِنَّهُ وَمَنْ أَيْقَنَ بِالْحِسَابِ لَمْ يَفْرَحْ قَلْبُهُ وَمَنْ  
 أَيْقَنَ بِالْقَدَرِ عَلِمَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ إِلَّا مَا قَدَرَ عَلَيْهِ

وَأَرَوَىٰ مَنِ مَلَكَ نَفْسُهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا اشْتَهَىٰ وَإِذَا غَضِبَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ  
عَلَى النَّارِ وَ سَأَلْتُ الْعَالِمَ عَنِ أَزْهَدِ النَّاسِ قَالَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ الْمَعْدُومَ حَتَّى يَنْفَدَ  
[44] الْمَوْجُودُ

امام علیه السلام فرمود

دنیا حرکت کرده و میرود بطرف زوال و فناء و آخرت حرکت نموده و بطرف ما می آید  
(قدم به قدم و نفس بنفس از دنیا دور و به آخرت نزدیک میشویم) و هر یک از آنها  
فرزندان و دل بستگانی دارد بنا بر این باید شما از فرزندان و دل بستگان آخرت باشید  
نه از فرزندان دنیا و از کسانی باشید که از دنیا و تعلقات آن دل برکنده و خود را آزاد  
نموده و رغبت و میل خود را بآخرت معطوف داشته چون زاهدان و پارسایان در زندگی  
سبک و آزادند. زمین را فرش زیر پای خود و خاک را بستر خواب خود و آب را غذا و  
آشامیدنی پاکیزه خود قرار داده و بکلی از دنیا چشم پوشیده و صرف نظر نموده اند.  
آگاه باشید آن کس که اشتیاق ببهشت داشته باشد خود را از شهوات و خواسته های  
نفس آزاد مینماید و هر که از آتش دوزخ بترسد از محرمات الهی خودداری میکند و  
هر کس در دنیا پارسا و بآن بی اعتناء باشد تمام مصائب و حوادث بر او آسان است.  
آگاه باشید خداوند بندگانی دارد که مردم از شرارت و بدی آنها در امانند (شرارت  
ندارند) و دل آنان برای تفکر در امر آخرت محزون و اندوهناک است و دارای عفت  
نفس هستند و نیازهای آنان بسیار کم و ناچیز است. چند روز کوتاهی صبر و تحمل  
نموده در نتیجه در آن جهان آسایش طولانی و آرامش ابدی را بدست آوردند. برنامه  
عبادت شبانه آنها این است که روی قدم خود ایستاده و شب را بعبادت بسر میبرند و  
در روز با کمال اخلاص بوظائف خود قیام نموده و اعمال خود را بعنوان عبادت و قرب  
بحق انجام میدهند و کوشش میکنند که خود را از آتش خشم الهی نجات دهند. نیکان  
با تقوائی هستند و در رنج و زحمت بسر برده و بدن آنها مانند نی ضعیف و لاغر مردم  
(خیال میکنند که آنها مریض و رنجورند) در واقع مرضی ندارند

روایت شده مسیح علیه السلام به حواریون خود گفت: خوراک من گیاهان زمین هستند، و آب خوراکی من از رودخانه ها و چشمه ها می باشد که با کف های خود آب را می نوشم، روشنائی من نور ماه است، فرش من خاک و بالش من سنگ ها می باشند. لباس من از موهای حیوانات است، فرزندی ندارم تا درگذرد زنی ندارم تا محزون گردد خانه ای ندارم تا خراب شود، مالی ندارم تا تلف شود، پس بنا بر این من بی نیازترین فرزندان آدم می باشم.

چیست فرمود: وَ كَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا از عالم علیه السلام سؤال شد تفسیر آیه شریفه بخداوند سوگند آن گنج طلا و نقره نبود بلکه آن لوحی از طلا بود که در آن چهار حرف هر کس یقین به مرگ داشته نوشته بودند و آنها عبارت بودند از: أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا، باشد هرگز خنده نمی کند، هر کس یقین بحساب روز قیامت داشته باشد دلش شادمان نمی گردد، و هر کس به مقدرات معتقد گردد می داند که هر چه به او برسد مقدرش بوده استروایت شده هر کس مالک نفس خود باشد و مهار را در دست بگیرد، او را از مشتیهات و خواسته ها باز دارد و از خشم و غضب و تندی حفظ کند جسدش بر آتش حرام می گردد.

روایت شده هر کس مالک نفس خود باشد و مهار را در دست بگیرد، او را از مشتیهات و خواسته ها باز دارد و از خشم و غضب و تندی حفظ کند جسدش بر آتش حرام می گردد.

راوی گوید: از عالم علیه السلام سؤال کردم زاهدترین مردم کدام است، فرمود: کسی که از معدوم سؤال نمی کند تا آنگاه که موجود تمام شود.

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ رَجُلٍ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي -19  
عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ رَفَعَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ع بِمِذْرَعَةٍ صُوفٍ مِنْ غَزَلِ مَرْيَمَ وَ مِنْ نَسَجِ مَرْيَمَ وَ  
[45] مِنْ خِيَاطَةِ مَرْيَمَ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى السَّمَاءِ نُودِيَ يَا عِيسَى أَلْقِ عَنْكَ زِينَةَ الدُّنْيَا

امام صادق علیه السلام فرمود: عیسی علیه السلام یک لباس پشمی که دست باف مادرش مریم بود و مریم علیها السلام آن را رشته و بافته و دوخته بود، با خود به آسمان برد، در این هنگام ندا آمد ای عیسی زینت دنیا را از خود دور انداز

جا، [المجالس للمفید] المَرَاغِيُّ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ -20  
عَنْ يَحْيَى بْنِ هَاشِمٍ الْغَسَّانِيِّ عَنْ أَبِي عَاصِمٍ النَّبِيلِ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ عَلْقَمَةَ  
بْنِ قَيْسٍ عَنْ نَوْفٍ الْبِكَالِيِّ قَالَ بَتُّ لَيْلَةً عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ فَرَأَيْتُهُ  
يُكْثِرُ الْإِخْتِلَافَ مِنْ مَنْزِلِهِ وَيَنْظُرُ إِلَى السَّمَاءِ قَالَ فَدَخَلَ كَبْعُضٍ مَا كَانَ يَدْخُلُ قَالَ أَ نَائِمٌ  
أَنْتَ أَمْ رَامِقٌ فَقُلْتُ بَلْ رَامِقٌ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا زِلْتُ أَرْمُقُكَ مُنْذُ اللَّيْلَةِ بَعَيْنِي وَ أَنْظُرُ مَا  
تَصْنَعُ فَقَالَ يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ قَوْمٌ يَتَّخِذُونَ أَرْضَ اللَّهِ  
بِسَاطًا وَ تُرَابَهُ وَ سَادًا وَ كِتَابَهُ شِعَارًا وَ دُعَاءَهُ دِثَارًا وَ مَاءَهُ طَبِيبًا يَقْرِضُونَ الدُّنْيَا قَرْضًا عَلَى  
مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ عَ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَوْحَى إِلَى عِيسَى عَ يَا عِيسَى عَلَيْكَ بِالْمِنْهَاجِ الْأَوَّلِ تَلَحُّقُ  
مَلَاحِقَ الْمُرْسَلِينَ قُلْ لِقَوْمِكَ يَا أَخَا الْمُنْذَرِينَ أَنْ لَا تَدْخُلُوا بَيْتًا مِنْ بُيُوتِي إِلَّا بِقُلُوبٍ  
طَاهِرَةٍ وَ أَيْدٍ نَقِيَّةٍ وَ أَبْصَارٍ خَاشِعَةٍ فَإِنِّي لَا أَسْمَعُ مِنْ دَاعٍ دُعَاءَهُ وَ لِأَحَدٍ مِنْ عِبَادِي عِنْدَهُ  
[46]...مَظْلَمَةٌ وَ لَا أُسْتَجِيبُ لَهُ دَعْوَةً وَ لِي قَبْلَهُ حَقٌّ لَمْ يَرُدَّهُ إِلَيَّ

نوف بکالی گوید: شبی نزد امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع) ماندم و دیدم که مکرر از منزلش بیرون می رود و به آسمان نظر می کند. گوید سپس باری دیگر بروش همیشه داخل شد و فرمود: خوابی یا بیدار؟ عرض کردم: بیدارم ای امیر مؤمنان، از اول شب چشم بتو دوخته ام و آنچه می کردی می دیدم. فرمود

ای نوف خوشا بحال آنان که به دنیا زاهد و بی میل می گردند، و به آخرت میل و علاقه می ورزند، قومی که زمین خدا را گلیم، و خاکش را بستر، و کتاب خدا را پیراهن زیر و دعای او را لباس رو قرار داده اند (از کتاب خدا در پنهانی پند گیرند و در آشکار دعا کنند) و آب زمین را بمنزله بوی خوش بکار می برند، و بر روش حضرت مسیح (ع) از دنیا دل بریده اند.

همانا خدای متعال به عیسی (ع) وحی کرد که: ای عیسی بر تو بادبروش پیشینیان تا به سر منزل پیامبران برسی. ای برادر بیم دهندگان به قوم خود بگو که: در هیچ خانه ای از خانه های من جز با دل‌های پاک و دست‌های تمیز و ناآلوده، و دیدگان خاشع و فرو خفته داخل نشوند، که من دعای آن کس را که مرا بخواند و حقّی از مردم در گردن وی باشد نمی شنوم، و تا آن زمان که حقّی نزدش داشته باشم و به من برنگردانده باشد دعایش را مستجاب نگردانم.

ضه، [روضه الواعظین] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الزُّهْدُ ثَرَوْهٌ وَ الْوَرَعُ جُنَّةٌ وَ أَفْضَلُ الزُّهْدِ - 21  
 إِخْفَاءُ الزُّهْدِ الزُّهْدُ يُخْلِقُ الْأَبْدَانَ وَ يَحْدُدُ الْأَمْالَ وَ يُقَرِّبُ الْمَنِيَّةَ وَ يَبَاعِدُ الْأُمْنِيَّةَ مَنْ ظَفَرَ بِهِ  
 نَصَبٌ وَ مَنْ فَاتَهُ تَعَبٌ وَ لَا كَرَمٌ كَالْتَقْوَى وَ لَا تِجَارَةٌ كَالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ لَا وَرَعٌ كَالْوُقُوفِ عِنْدَ  
 الشُّبْهَةِ وَ لَا زُهْدٌ كَالزُّهْدِ فِي الْحَرَامِ الزُّهْدُ كَلِمَةٌ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِكَيْلَا تَأْسَوْا  
 عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَمَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ  
 الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ  
 عَزَبَ ذَلِكَ عَنْكُمْ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ  
 [47] إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ مُسْفِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ كُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرُ وَاضِحَةٌ

علی علیه السلام فرمود: زهد ثروت است ورع سپر است بهترین زهد آن است که مخفی باشد، زهد بدن‌ها را کهنه می‌کند و آرزوها را تجدید می‌نماید و مرگ را نزدیک می‌سازد و خواهش‌های نفسانی را دور می‌کند، هر کس به زهد رسید خوشحال می‌شود و هر کس به آن دست پیدا نکرد به مشقت خواهد افتاد.

شرفی بالاتر از تقوی نیست. تجارتی مانند اعمال صالحه وجود ندارد و راهی بهتر از این نیست که آدمی در هنگام بروز شبهات توقف کند، هر کس بر گذشته تأسف نخورد و از آن چه بدستش آمده خوشحال شود زاهد است.

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ : خداوند متعال در قرآن زهد را بخوبی تعریف کرده و فرمود ای مردم زهد کوتاهی آرزوها سپاسگزاری از نعمت‌ها و . وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ

پرهیزکاری از حرام ها می باشد اگر نتوانستید زهد پیشه کنید سپاسگزاری از نعمت ها را فراموش نکنید خداوند برای آن دلائلی اقامه کرده که عذر شما پذیرفته نمی شود

ین، [کتاب حسین بن سعید و النوادر] فَضَالَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ فَرْقَدٍ عَنْ أَبِي كَهْمَشٍ -22  
عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص اسْتَحْيُوا مِنَ اللَّهِ حَقَّ  
الْحَيَاءِ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ فَقَالَ مَنْ اسْتَحْيَا مِنَ اللَّهِ حَقَّ  
الْحَيَاءِ فَلْيَكُتَبْ أَجَلُهُ بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ لِيُزْهَدْ فِي الدُّنْيَا وَ زِينَتِهَا وَ يَحْفَظَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ  
[48] الْبَطْنَ وَ مَا وَعَى وَ لَا يَنْسَى الْمَقَابِرَ وَ الْبَلَى

امام باقر علیه السلام : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از خدا حقیقتا حیا کنید .  
عرض شد : ای پیامبر خدا! چه کسی از خدا حقیقتا حیا می کند؟ فرمود : کسی که از خدا  
حقیقتا حیا داشته باشد، باید اجل خود را در برابر دیدگانش قرار دهد ، به دنیا و  
فریبندگیهای آن پشت کند ، مواظب سر و اندیشه خود و شکم و خوراک خود باشد و  
. گورستان و پوشیده شدن [بدن ها] را از یاد نبرد .

ین، [کتاب حسین بن سعید و النوادر] النَّضْرُ عَنْ دُرُسْتٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ -23  
مَيْسَرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا  
مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا اسْتَوَى رَسُولُ اللَّهِ ص جَالِسًا ثُمَّ قَالَ مَنْ لَمْ يَتَعَزَّ بِعَزَاءِ اللَّهِ  
تَقَطَّعَتْ نَفْسُهُ حَسْرَاتٍ عَلَى الدُّنْيَا وَ مَنْ اتَّبَعَ بَصْرُهُ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ طَالَ هَمُّهُ وَ لَمْ يَشْفِ  
[49] غَيْظُهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفْ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ إِلَّا فِي مَطْعَمٍ أَوْ مَشْرَبٍ قَصَرَ عِلْمُهُ وَ دَنَا عَذَابُهُ

حضرت باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که این آیه نازل شد و لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا  
مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا زر و زیور دنیوی که مایه تمتعات و لذت کاذب  
آنها شده چشم تو را خیره نکند. پیغمبر خدا نشست و سپس فرمود: هر کس بتسلیت و  
توصیه خداوند (که مردم را امر بصبر فرموده و در مقابل مصائب و محرومیت ها وعده  
های صادقانه داده) گوش ندهد و با حسرت و اندوه فراوان از دنیا جدا خواهد شد و هر  
کس بمال و جاه و ثروتی که در دست مردم است چشم بدوزد و در انتظار رسیدن بآنها  
باشد همیشه اندوهناک و در حال خشم و ناراحتی خواهد بود هر کس نعمتهای الهی را

در خوراک و پوشاک و آشامیدنی و امثال اینها منحصر کند و بآن نعمتهای معنوی و کمالات انسانی آگاهی نداشته باشد سطح درک و فهمش بسیار کوتاه و پست و عذاب الیم در انتظار او است.

ین، [کتاب حسین بن سعید و النوادر] النَّضْرُ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي -24 جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص جَاءَنِي مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ رَبُّكَ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ إِن شِئْتَ جَعَلْتُ لَكَ بَطْحَاءَ مَكَّةَ رَضْرَاضَ ذَهَبٍ قَالَ فَرَفَعَ النَّبِيُّ ص رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ [50] فَقَالَ يَا رَبِّ أَشْبَعُ يَوْمًا فَأَحْمَدُكَ وَ أَجُوعُ يَوْمًا فَأَسْأَلُكَ

داود بن سلیمان غازی گوید: حضرت رضا (ع) از پدرانش علیهم السّلام برایم حدیث کرد که رسول خدا (ص) فرمود: فرشته ای نزد من آمد و گفت: ای محمد، پروردگارت سلام می رساند و میفرماید: اگر بخواهی تمام وادی مکه را برای تو به زر تبدیل کنم. من سر بآسمان برداشتم و عرض کردم

پروردگار من! می خواهم روزی سیر باشم تا سپاست گویم، و روزی گرسنه باشم تا از تو درخواست نمایم.

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدٍ -25 بَنِي يَاسِينَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَنْ أَصْبَحَ وَ [51] الْآخِرَةُ هُمُ اسْتَغْنَى بِغَيْرِ مَالٍ وَ اسْتَأْنَسَ بِغَيْرِ أَهْلِ وَ عَزَّ بِغَيْرِ عَشِيرَةٍ

امام علی علیه السلام : هر که صبح خود را با هم و غم آخرت بیاغازد ، بی نیاز شود ، بی آن که مال و ثروتی داشته باشد ، و از تنهایی به درآید بی آن که اهل و عیالی داشته باشد . و قدرت یابد بی آن که ایل و تباری داشته باشد

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيِّ -26 عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّمَا ابْنُ آدَمَ لِيَوْمِهِ فَمَنْ أَصْبَحَ آمِنًا فِي سَرِبِهِ مُعَافًى فِي جَسَدِهِ عِنْدَهُ قُوتُ يَوْمِهِ فَكَأَنَّمَا خِيرَتْ [52] لَهُ الدُّنْيَا

امام رضا علیه السلام از پدرانش روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرزند آدم برای یک روز است، هر کس صبح کند، و در منزلش آرام گیرد، و بدنش سالم باشد، و روزی یک روز را هم داشته باشد این مرد به همه نیکهای دنیا رسیده است.

ما، [الأمالی للشيخ الطوسي] الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ -27-  
 إِبْرَاهِيمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الزَّعْفَرَانِيِّ عَنِ الْبَرَقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ  
 هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قُلْتُ بَلَّغْنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمْ  
 يَشْبَعْ مِنْ خُبْزٍ بُرٍّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَطُّ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَا أَكَلَهُ قَطُّ قُلْتُ فَأَيُّ شَيْءٍ كَانَ  
 [53] يَأْكُلُ قَالَ كَانَ طَعَامُ رَسُولِ اللَّهِ ص الشَّعِيرَ إِذَا وَجَدَهُ وَ حَلَوَاهُ التَّمْرَ وَ وَقُودَهُ السَّعْفَ

ابو اسامه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردیم به ما رسیده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدت سه روز هم از نان گندم سیر نشدند، امام فرمود: رسول خدا هرگز نان گندم نخوردند گفتیم: پس چه می خوردند فرمود: طعام رسول خدا نان جو بود هر گاه پیدا می شد، شیرینی او خرما و آتش او هم شاخه های درخت خرما بود.

ما، [الأمالی للشيخ الطوسي] الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ -28-  
 أَحْمَدَ بْنِ زَكَرِيَّا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ أَبِي كَهْمَشٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ  
 سَعِيدٍ بْنِ هِلَالٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَوْصِنِي فَقَالَ أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ الْوَرَعِ وَ  
 الْاجْتِهَادِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ اجْتِهَادٌ لَا وَرَعَ فِيهِ وَ انْظُرْ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَكَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ  
 هُوَ فَوْقَكَ فَكَثِيرًا مَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِرَسُولِهِ ص فَلَا تُعْجِبَكَ أَمْوَالُهُمْ وَ لَا أَوْلَادُهُمْ وَ قَالَ  
 عَزَّ ذِكْرُهُ وَ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَإِنْ نَازَعْتَكَ  
 نَفْسُكَ إِلَى شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَاعْلَمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ قُوَّةُ الشَّعِيرِ وَ حَلَوَاهُ التَّمْرَ وَ  
 وَقُودَهُ السَّعْفَ وَ إِذَا أُصِيبَتْ بِمُصِيبَةٍ فَادْكُرْ مُصَابِكَ بِرَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ النَّاسَ لَمْ يُصَابُوا بِمِثْلِهِ  
 [54] أَبَدًا

عمرو بن سعید بن هلال گوید: بامام صادق (ع) عرض کردم: مرا سفارشی فرما. فرمود: تو را به پروای از خدا، و پاکدامنی، و کوشش در عبادت سفارش می کنم، و بدان که

کوشائی در عبادتی که همراه با پاکدامنی نباشد سودی نبخشد. و همیشه به پائین تر از خودت بنگر، و ببالا دست خود نگاه مکن، و چه بسیار خدای متعال به رسول خدا (ص) فرموده است: اموال و اولاد کافران تو را به شگفتی نیاورد و فرموده: چشمان خود را به بهره هائی که به جفت هائی (مردان و زنانی) از کافران داده ایم ندوز، حال آنکه اینها همه نمودهای فریبنده زندگانی دنیاست. و اگر نفس تو، ترا بسوی چیزی از اینها فرا خواند پس بدان که خوراک رسول خدا (ص) جو، و حلوایش خرما- آنهم اگر بدستش می آمد- و هیزمش شاخه درخت خرما بوده است. و هر گاه به مصیبتی گرفتار آمدی یاد مصیبت خود بفقدان و از دست رفتن رسول خدا (ص) کن که مردم هر گز بمانند چنین مصیبتی گرفتار نمی شوند.

الدُّرَّةُ الْبَاهِرَةُ، سُئِلَ الرَّضَاعُ عَنْ صِفَةِ الزَّاهِدِ فَقَالَ مُتَبَلِّغٌ بِدُونِ قُوَّتِهِ مُسْتَعِدٌّ لِيَوْمٍ -29-  
[55] مَوْتِهِ مُتَبَرِّمٌ بِحَيَاتِهِ

امام رضا علیه السلام - در پاسخ به پرسش از صفت زاهد - فرمود: کسی که به کمتر از قوت خود بسنده می کند، برای روز مرگش آماده است و از زنده ماندن خود دلتنگ است (شوق آخرت و دیدار خدا را دارد).

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ عَ أَفْضَلُ الزُّهْدِ إِخْفَاءُ الزُّهْدِ وَقَالَ عَ اِزْهَدْ فِي الدُّنْيَا يُبْصِرَكَ -30-  
[56] اللَّهُ عَوْرَاتِهَا وَلَا تَغْفَلَ فَلَسْتَ بِمَغْفُولٍ عَنْكَ

امام علی علیه السلام: برترین پارسایی نهفتن پارسایی است و فرمود: دل از دنیا بر کن، تا خداوند تو را به عیبها و زشتیهای آن بینا کند و غافل مباش؛ زیرا که خداوند از تو غافل نیست.

نهج، [نهج البلاغه] عَنْ نَوْفٍ الْبِكَالِيِّ قَالَ رَأَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ ذَاتَ لَيْلَةٍ وَقَدْ خَرَجَ -31-  
مِنْ فِرَاشِهِ فَنَظَرَ إِلَى النُّجُومِ فَقَالَ يَا نَوْفُ أَرَأَيْدُ أَنْتَ أَمْ رَامِقٌ فَقُلْتُ بَلْ رَامِقٌ يَا أَمِيرَ  
الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا نَوْفُ طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِبِينَ فِي الْآخِرَةِ أُولَئِكَ قَوْمٌ اتَّخَذُوا

الْأَرْضَ بَسَاطًا وَتُرَابَهَا فِرَاشًا وَمَاءَهَا طِيبًا وَ الْقُرْآنَ شِعْرًا وَ الدُّعَاءَ دِثَارًا ثُمَّ قَرَضُوا الدُّنْيَا ... قَرْضًا عَلَى مِنْهَاجِ الْمَسِيحِ ع

وَ قَالَ ع الزُّهْدُ كَلِمَةٌ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ فَلَمْ [فَمَنْ] لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ

وَ قَالَ ع أَيُّهَا النَّاسُ الزَّهَادَةُ قَصْرُ الْأَمَلِ وَ الشُّكْرُ عِنْدَ النَّعْمِ وَ الْوَرَعُ عِنْدَ الْمَحَارِمِ فَإِنْ عَزَبَ عَنْكُمْ ذَلِكَ فَلَا يَغْلِبِ الْحَرَامُ صَبْرَكُمْ وَ لَا تَنْسُوا عِنْدَ النَّعْمِ شُكْرَكُمْ فَقَدْ أَعْذَرَ اللَّهُ [57] إِلَيْكُمْ بِحُجَجٍ سَافِرَةٍ ظَاهِرَةٍ وَ كُتُبٍ بَارِزَةٍ الْعُذْرِ وَاضِحَةٍ

و از نوف بکالی روایت است که شبی امیر المؤمنین (ع) را دیدم از بستر خود برون آمده نگاهی به ستارگان انداخت و فرمود: نوف! خفته ای یا دیده ات باز است؟ گفتم دیده ام باز است. فرمود: [نوف! خوشا آنان که دل از این جهان گسستند و بدان جهان بستند. آنان مردمی اند که زمین را گسترده خود گرفته اند و خاک آن را بستر. و آب آن را طیب. قرآن را به جانشان بسته دارند و دعا را ورد زبان. چون مسیح دنیا را از خود دور ... ساخته اند - و نگاهی بدان نینداخته

و فرمود: در قرآن زهد را در دو کلمه بیان کرده و فرموده: از آنچه گذشته افسوس نخورید و از آنچه به شما رسیده خوشحال نگردید، بنا بر این هر کس از گذشته ناراحت نباشد و از آینده خوشحال نشود هر دو طرف زهد را گرفته است

و فرمود: ای مردم! زهد، کوتاهی آرزو و گزاردن شکر نعمتها و خویشنداری در هنگام روبرو شدن با حرامهاست. اگر این زهد از شما برنیامد، [لااقل] نباید که حرام بر شکیبایی شما چیره آید و سپاسگزاری از نعمتها را فراموش کنید

مِنْ خُطْبَةٍ لَهُ ع فِي صِفَةِ الزُّهَادِ كَانُوا قَوْمًا مِنْ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ لَيْسُوا مِنْ أَهْلِهَا فَكَانُوا - 32  
فِيهَا كَمَنْ لَيْسَ مِنْهَا عَمِلُوا فِيهَا بِمَا يُبْصِرُونَ وَ بَادَرُوا فِيهَا مَا يَحْذَرُونَ تَقَلَّبُ أُبْدَانُهُمْ بَيْنَ

ظَهَرَآَنِي أَهْلُ الْآخِرَةِ يَرَوْنَ أَهْلَ الدُّنْيَا يُعْظَمُونَ مَوْتَ أَجْسَادِهِمْ وَ هُمْ أَشَدُّ إِعْظَاماً لِمَوْتِ  
[58] قُلُوبِ أَحِبَّائِهِمْ

مردمی بودند در دنیا، که نمی دانستند دنیا چیست، در آن چون کسی به سر بردند که از مردم دنیا نیست. کار از روی بصیرت کردند و در آنچه از آن پرهیزشان باید سبقت جستند. تن هاشان- اینجا به کوشش است لیکن به حقیقت- میان مردم آخرت در گردش است. مردم دنیا را می بینند که مرگ تن هاشان را بزرگ می پندارند، اما آنان مرگ دل‌های زندگان را بزرگ‌تر می شمارند.

وَمِنْ كِتَابٍ كَتَبَهُ إِلَى سَهْلِ بْنِ حَنِيفٍ يَا ابْنَ حَنِيفٍ فَقَدْ بَلَغَنِي أَنَّ رَجُلًا مِنْ فِتْيَةِ أَهْلِ -33  
الْبَصْرَةِ دَعَاكَ إِلَى مَادِبَةٍ فَأَسْرَعْتَ إِلَيْهَا تُسْتَطَابُ لَكَ الْأَلْوَانُ وَ تُنْقَلُ إِلَيْكَ الْجَفَانُ وَ مَا  
ظَنَنْتُ أَنَّكَ تُجِيبُ إِلَى طَعَامِ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوٌّ وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوٌّ فَانْظُرْ إِلَى مَا تَقْضِمُهُ مِنْ  
هَذَا الْمَقْضَمِ فَمَا اشْتَبَهَ عَلَيْكَ عِلْمُهُ فَالْفِظُهُ وَ مَا أَيْقَنْتَ بِطِيبِ وَجْهِهِ فَقُلْ مِنْهُ أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ  
مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ  
وَ مِنْ طَعْمِهِ بِقُرْصِيهِ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَ لَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتَهِادٍ فَوَ اللَّهُ  
مَا كَنْزْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرًا وَ لَا ادَّخَرْتُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًّا وَ لَا أَعْدَدْتُ لِبَالِي ثَوْبِي طِمْرًا إِلَى  
قَوْلِهِ ع وَ لَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفَّى هَذَا الْعَسَلِ وَ لُبَابِ هَذَا الْقَمْحِ وَ نَسَائِجِ هَذَا  
الْقَزِّ وَ لَكِنْ هِيَهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَ يَقُودَنِي جَشَعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ وَ لَعَلَّ بِالْحِجَارِ  
أَوْ بِالْإِمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقُرْصِ وَ لَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّبَعِ أَوْ أَنْ أُبَيْتَ مِبْطَانًا وَ حَوْلِي بُطُونٌ  
غَرَّتِي وَ أَكْبَادٌ حَرَّتِي فَأَكُونُ كَمَا قَالَ الْقَائِلُ وَ حَسْبُكَ دَاءٌ أَنْ تَبَيْتَ بَيْطَنَهُ وَ حَوْلَكَ أَكْبَادٌ  
[59] تَحْنُ إِلَى الْقَدِّ إِلَى آخِرِ مَا مَرَّ مَشْرُوحًا فِي كِتَابِ الْفِتَنِ

و از نامه آن حضرت است به عثمان پسر حنیف انصاری که عامل او در بصره بود به امام خبر رسید که او را به مهمانی مردمی از بصره خوانده اند و او بدانجا رفته اما بعد، پسر حنیف به من خبر رسیده است که مردی از جوانان بصره تو را بر خوانی خوانده است و تو بدانجا شتافته ای. خوردنیهای نیکو برایت آورده اند و پی در پی کاسه ها پیشت نهاده. گمان نمی کردم تو مهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان به جفا رانده است و

بی نیازشان خوانده. بنگر - کجایی - و از آن سفره چه می خایی. آنچه حلال از حرام ندانی بیرون انداز، و از آنچه دانی از حلال به دست آمده در کار خود ساز. آگاه باش که هر پیروی را پیشوایی است که پی وی را پوید، و از نور دانش او روشنی جوید. بدان که پیشوای شما بسنده کرده است از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرصه نان را خوردنی خویش نموده. بدانید که شما چنین نتوانید کرد. لیکن مرا یاری کنید به پارسایی و - در پارسایی - کوشیدن و پاکدامنی و درستی ورزیدن. که به خدا از دنیای شما زری نیندوختم، و از غنیمتهای آن ذخیرت ننمودم، و بر جامه کهنه ام کهنه ای نیفزودم.... و اگر خواستمی دانستمی چگونه عسل پالوده و مغز گندم، و بافته ابریشم را به کار برم. لیکن هرگز هوای من بر من چیره نخواهد گردید، و حرص مرا به گزیدن خوراکها نخواهد کشید. چه بود که در حجاز یا یمامه کسی حسرت گرده نانی برد، یا هرگز شکمی سیر نخورد، و من سیر بخوابم و پیرامونم شکمهایی باشد از گرسنگی به پُشت دوخته، و جگرهایی سوخته. یا چنان باشم که گوینده سروده

درد تو این بس که شب سیر بخوابی و گرداگردت جگرهایی بود در آرزوی پوست  
بزغاله

عُدَّة الدَّاعِي، رُويَ أَنَّ نُوحًا عَاشَ أَلْفِي عَامٍ وَ خَمْسِمِائَةَ عَامٍ وَ مَضَى مِنَ الدُّنْيَا وَ لَمْ يَبْنِ فِيهَا بَيْتًا وَ كَانَ إِذَا أَصْبَحَ يَقُولُ لَا أُمْسِي وَ إِذَا أُمْسَى يَقُولُ لَا أَصْبِحُ وَ كَذَلِكَ نَبِيَّنَا صَخَرَجَ مِنَ الدُّنْيَا وَ لَمْ يَضَعْ لَبَنَةً عَلَى لَبَنَةٍ وَ أَمَّا إِبْرَاهِيمُ ع فَكَانَ لِبَاسُهُ الصُّوفَ وَ أَكَلَهُ الشَّعِيرَ وَ أَمَّا يَحْيَى ع فَكَانَ لِبَاسُهُ اللَّيْفَ وَ أَكَلَهُ وَ رَقَ الشَّجَرِ وَ أَمَّا سُلَيْمَانُ ع فَقَدْ كَانَ مَعَ مَا هُوَ فِيهِ مِنَ الْمَلِكِ يَلْبَسُ الشَّعْرَ وَ إِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ شَدَّ يَدَيْهِ إِلَى عُنُقِهِ فَلَا يَزَالُ قَائِمًا حَتَّى يُصْبِحَ بَاكِيًا وَ كَانَ قُوَّتُهُ مِنْ سَفَائِفِ الْخُوصِ يَعْمَلُهَا بِيَدِهِ

وَ رُويَ أَنَّ نَبِيَّنَا ص أَصَابَهُ يَوْمًا الْجُوعُ فَوَضَعَ صَخْرَةً عَلَى بَطْنِهِ ثُمَّ قَالَ أَلَا رَبَّ مُكْرِمٍ لِنَفْسِهِ وَ هُوَ لَهَا مُهِينٌ أَلَا رَبَّ نَفْسٍ كَاسِيَةٍ نَاعِمَةٍ فِي الدُّنْيَا جَائِعَةٌ غَارِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا رَبَّ مُتَخَوِّضٍ مُتَنَعِّمٍ فِي مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ

الْجَنَّةُ حَزَنُهُ بَرَبَوُهُ أَلَا إِنَّ عَمَلَ أَهْلِ النَّارِ كَلِمَةٌ سَهْلَاءُ بِشَهْوَةٍ أَلَا رَبَّ شَهْوَةٍ سَاعَهُ أَوْرَثَتْ  
حُزْنَ طَوِيلًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ

وَقَالَ سُؤْدُ بْنُ غَفَلَةَ دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ بَعْدَ مَا بُويعَ بِالْخِلَافَةِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى  
حَصِيرٍ صَغِيرٍ وَلَيْسَ فِي الْبَيْتِ غَيْرُهُ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِيَدِكَ بَيْتُ الْمَالِ وَ لَسْتُ أَرَى  
فِي بَيْتِكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْبَيْتُ فَقَالَ ع يَا ابْنَ غَفَلَةَ إِنَّ اللَّيْبَ لَا يَتَأَثُّ فِي دَارِ النُّقْلَةِ  
وَلَنَا دَارُ أَمْنٍ قَدْ نَقَلْنَا إِلَيْهَا خَيْرَ مَتَاعِنَا وَ إِنَّا عَنْ قَلِيلٍ إِلَيْهَا صَائِرُونَ وَ كَانَ عَ إِذَا أَرَادَ أَنْ  
يَكْتَسِيَ دَخَلَ السُّوقَ فَيَشْتَرِي الثَّوْبَيْنِ فَيُخَيِّرُ قَنْبَرًا أَجْوَدَهُمَا وَ يَلْبَسُ الْآخَرَ ثُمَّ يَأْتِي النَّجَّارَ  
فَيَمْدُّ لَهُ إِحْدَى كُمَيْهِ وَ يَقُولُ خُذْهُ بِقُدُومِكَ وَ يَقُولُ هَذِهِ تُخْرَجُ فِي مَصْلَحَةِ أُخْرَى وَ يَبْقَى  
الْكُمُ الْآخَرَى بِخَالِهَا وَ يَقُولُ هَذِهِ تَأْخُذُ فِيهَا مِنَ السُّوقِ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ع

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَا تَعَبَّدُوا لِلَّهِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا

وَقَالَ عَيْسَى عَ لِلْحَوَارِيِّينَ ارْضَوْا بِدُنْيَايَ الدُّنْيَا مَعَ سَلَامَةٍ دِينِكُمْ كَمَا رَضِيَ أَهْلُ الدُّنْيَا بِدُنْيَايَ  
الدِّينِ مَعَ سَلَامَةٍ دُنْيَاهُمْ وَ تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِالْبُعْدِ مِنْهُمْ وَ ارْضُوا اللَّهَ فِي سَخَطِهِمْ فَقَالُوا  
فَمَنْ نَجَالِسُ يَا رُوحَ اللَّهِ قَالَ مَنْ يُذَكِّرُكُمْ اللَّهُ رُؤْيَاهُ وَ يَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقَهُ وَ يَرْغَبُكُمْ  
[60] فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ

در کتاب عده‌الدّاعی نقل شده که حضرت نوح علیه السلام 2500 سال عمر کرد و در  
این مدت خانه ای برای خود نساخت و هر روز صبح که میشد میگفت معلوم نیست  
بشب برسم و شب که میشد میگفت معلوم نیست تا صبح زنده بمانم و پیامبر ما هم  
صلی الله علیه و آله چنین بود. از دنیا رحلت فرمود و یک خشت بالای خشت نهاد. و  
اما حضرت ابراهیم علیه السلام لباسش از پشم معمولی و خوراکش نان جو بود. و  
حضرت یحیی علیه السلام لباسش را از برگ خرما و خوراکش را از برگهای درختان  
تهیه میکرد.

و حضرت سلیمان علیه السلام با آن قدرت و سلطنت و ثروتی که داشت لباس موئی در  
بر میکرد و شبها هنگامی که تاریکی آن فراگیر میشد دست خود را بر گردن بسته و

بقیام در عبادت بحال گریه شب زنده داری مینمود و خوراکش بر گهای ریز و شکوفه های خرما بود که با دست خود تهیه میکرد

روایت شده که پیامبر ما صلی الله علیه و آله یکی از روزها گرسنه شد و سنگی را بر شکمش بست، و بعد فرمود: به افرادی که به نفس خود احترام می کنند و خود را برای آن پست کرده اند، و بسا کسانی که بدنهای آن ها پوشیده و در نعمت و رفاه بسر می برند در حالی که روز قیامت برهنه و گرسنه خواهند بود

چه بسا افرادی که در نعمت فرو رفته اند و از خدا و رسول استفاده می کنند در حالی که روز قیامت هیچ بهره ای نخواهند داشت، آگاه باشید که اعمال بهشتیان در جای بالائی قرار دارد، و کارهای اهل دوزخ در جای پستی قرار گرفته، و بدانید که شهوت یک ساعت، اندوهی طولانی را در قیامت خواهد آورد

سوید بن غفله گوید: خدمت علی علیه السلام رسیدم بعد از اینکه بر خلافت استقرار پیدا کرده بود، امام علیه السلام روی حصیر کوچکی نشسته بود و در اطاق جز آن حصیر فرش دیگری نبود، عرض کردم یا امیر المؤمنین بیت المال در دست شما می باشد و من در اینجا از احتیاجات منزل چیزی مشاهده نمی کنم

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند غفله مرد عاقل از خانه ای که منتقل خواهد شد و بجای دیگری خواهد رفت توجه نمی کند و اثاث و متاعی برای آن فراهم نمی سازد، ما خانه و محل آسایش دیگری داریم که بزودی به آنجا انتقال مکان خواهیم کرد.

علی علیه السلام هنگامی که می خواست خود را بپوشاند وارد بازار می شد و دو جامه می خرید، بهترش را به قنبر می داد و دیگری را خود در بر می کرد، بعد نزد نجار می رفت و آستین ها را می کشید و می گفت زیادی ها را قطع کنید که در جایی دیگر مصرف خواهد شد، حسن و حسین علیهما السلام از آن برای بازار کیسه درست خواهند کرد

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ کس خداوند را مانند زهد در دنیا عبادت و پرستش نکرده است.

عیسی علیه السلام به حواریین فرمود: به پست دنیا قانع شوید با سلامت در دین، چنان که اهل دنیا به کم دین با سلامت دنیا قانع شدند، و با دوری از ایشان دوستی خدا را بجوید و خدای را با خشم ایشان راضی کنید. پرسیدند ای روح خدا! با که همنشینی کنیم فرمود: کسی که دیدنش خدای را به یادتان آورد و سخنش بر علم شما بیافزاید و عملش شما را بر آخرت ترغیب کند.

---

الحدید : 23 [1]

طه : 131 [2]

الحدید : 22 [3]

الکافی ج 2 ص 128 [4]

همان [5]

همان [6]

همان، ص 129 [7]

همان [8]

همان [9]

همان [10]

همان [11]

همان، ص 130 [12]

همان [13]

همان, ص 131 [14]

همان [15]

همان [16]

همان [17]

همان, ص 133 [18]

همان, ص 134 [19]

همان [20]

همان [21]

همان, ص 135 [22]

همان [23]

همان, ص 136 [24]

همان [25]

همان [26]

همان, ص 137 [27]

بحار الأنوار ج 67 ص 309 [28]

همان, ص 310 [29]

همان [30]

همان [31]

همان [32]

همان, ص 311 [33]

همان [34]

همان [35]

همان, ص 312 [36]

همان [37]

همان [38]

همان [39]

همان, ص 313 [40]

همان [41]

همان [42]

همان, ص 314 [43]

همان [44]

همان, ص 316 [45]

همان [46]

همان [47]

همان, ص 317 [48]

همان [49]

همان, ص 318 [50]

همان [51]

[52] همان

[53] همان

[54] همان

[55] همان

[56] همان

[57] همان

[58] همان، ص 320

[59] همان

[60] همان، ص 321